



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



فاطمہ (س)

گلوارہ آفرینش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه (س) گلوآژه آفرینش

نویسنده:

ضیاء مرتضوی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	فاطمه (س) گلوآژه آفرینش
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه‌ای بر چاپ هفتم با ویرایش جدید
۱۲	شخصیت حضرت فاطمه (س)
۱۲	از کرانه کوثر
۱۳	نامگذاری
۱۳	برترین بانو
۱۴	سرفصل صداقت و شهادت
۱۴	پنجه آفرینش و برگزیدگان توحید
۱۴	محور خشم و خشنودی خداوند
۱۴	سبزی زهرا (س) و دشمنی بنی‌امیه
۱۴	هدیه مادر
۱۵	سودای فاطمه (ع)
۱۵	گلوآژه در گلزار شهیدان
۱۶	جلودار بهشتیان
۱۶	سر فرود آرید که «او» می‌گذرد
۱۶	بانوی بانوان و شفاعت زنان
۱۶	فقط علی (ع) همسان فاطمه (س) بود
۱۷	ماموریت الهی
۱۷	پیوند در عرش
۱۷	گلوآژه خوشبختی
۱۷	خانه‌داری خانه توحید

- ۱۷ غنچه می‌پرورد
- ۱۸ کنار باغبان توحید
- ۱۸ سرور سینه سردار توحید
- ۱۸ پاره وجود مصطفی (ص)
- ۱۹ عشق در کنار خندق
- ۱۹ اشک در انتظار فراق
- ۱۹ پرهیز از نفرین
- ۲۰ استوانه ولایت
- ۲۰ در سوگ پدر
- ۲۰ اذان ناتمام
- ۲۱ پیراهن یوسف
- ۲۱ دیگر خنده ، هرگز ! جز یک تبسم
- ۲۲ گلوآزه پرپر می‌شود
- ۲۳ صدیقه را صدیق غسل می‌دهد
- ۲۳ ظهور خشم و قهر مقدس
- ۲۳ در محکمه عدل با نقش خون
- ۲۴ و بهشت به انتظار است
- ۲۴ پی‌نوشتها
- ۲۴ زنان ، جایگاه و حقوق
- ۲۴ مقدمه
- ۲۵ بهترین فرزندانان
- ۲۵ خوش قدمی زن
- ۲۵ نعمت یا حسنه
- ۲۵ در مسیر بهشت

- ۲۶ گل خوشبو
- ۲۶ به من خیانت کرده!
- ۲۶ انتخاب خداوند تعالی
- ۲۷ ارزش گذاری قرآن
- ۲۷ بهتر از هزار مرد ناصالح
- ۲۷ نشانه ایمان
- ۲۷ محبوب انبیا (ع)
- ۲۷ بیشترین خیر
- ۲۸ مصونیت اجتماعی
- ۲۸ حرمت‌بدار!
- ۲۸ سفارش شدگان
- ۲۸ وقت ویژه
- ۲۹ در میدان جنگ
- ۲۹ مادر پاکدامن
- ۲۹ جلوه‌گاه صبر
- ۲۹ پاداش مرزداری و شهادت
- ۲۹ شیرمادر
- ۳۰ مرد در خدمت همسر
- ۳۰ پاسداری ارزشها، صیانت جمال
- ۳۰ زکات زیبایی
- ۳۰ رسم آزادگان
- ۳۰ حیا و آزادی
- ۳۱ خصلتهای نیک
- ۳۱ بیرون از خانه

- ۳۱ بوی خوش برای بیگانه !
- ۳۱ پوشش مناسب
- ۳۲ لباسهای تحریک‌آمیز
- ۳۲ در کوچه و خیابان
- ۳۲ بر جای او ننشین !
- ۳۲ حفظ حریم
- ۳۲ به شش سالگی که رسید
- ۳۳ نگاه به بیگانه
- ۳۳ ای غیرتمندان !
- ۳۳ پی‌نوشتها
- ۳۴ خانواده و مسؤولیتها
- ۳۴ پیوند پاکیزگی
- ۳۴ کدام یک ؟ دین یا مال و زیبایی
- ۳۴ بنیان محبوب
- ۳۴ امانات الهی
- ۳۵ سفارش شدگان
- ۳۵ یک سیلی ، هفتاد سیلی
- ۳۵ گشایش بر اسیران
- ۳۵ در کنار همسرت بنشین
- ۳۶ اول برای دخترت
- ۳۶ تو را دوست دارم
- ۳۶ آراستگی و زینت
- ۳۷ مردان نیز زینت کنند
- ۳۷ مسؤولیت مشترک

- ۳۷ حفظ چارچوب زندگی و ارزشها
- ۳۸ کدام بهتر است ؟
- ۳۸ نعمت بعد از اسلام
- ۳۸ مرد نیکوکار
- ۳۸ خیری از تو ندیدم !
- ۳۹ کارگزار خداوند
- ۳۹ او را نیازار !
- ۳۹ کسب خشنودی او
- ۳۹ جهاد بانوان
- ۴۰ جهاد واقعی
- ۴۰ از بهترین بانوان
- ۴۱ زن قیمت ندارد !
- ۴۱ در راه تفاهم
- ۴۱ مسؤولیت روابط حسنه
- ۴۱ تقسیم کار
- ۴۲ در جایگاه واقعی
- ۴۲ یک زن برابر هزار مرد !
- ۴۲ کارگزار الهی
- ۴۲ یک لیوان آب
- ۴۳ مرحمت الهی و زحمات زن
- ۴۳ در تنگنا قرار نده !
- ۴۳ در آنجا که توحید حاکم است
- ۴۴ این هم از کارگزاران خداوند است
- ۴۴ باید تحمل کرد

- ۴۵ اگر گوش نکردند
- ۴۵ تحمل یکدیگر
- ۴۵ پی‌نوشتها
- ۴۶ مروری بر تاریخ ولادت صدیقه کبرا ، فاطمه زهرا (س)
- ۴۶ مقدمه
- ۴۷ اختلاف گفته‌ها در تاریخ ولادت
- ۴۷ دسته اول : پیش از بعثت
- ۴۷ دسته دوم : بعد از بعثت
- ۴۷ سال نخست بعثت
- ۴۸ سال دوم بعثت
- ۴۸ سال پنجم بعثت
- ۴۸ ارزیابی گفته‌ها
- ۴۹ ارزیابی گفته‌های بخش دوم
- ۵۱ کتابنامه
- ۵۲ پی‌نوشتها
- ۵۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فاطمه (س) گلاوزه آفرینش

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرتضوی ضیاآ، - ۱۳۳۷ عنوان و نام پدید آور: فاطمه علیهما السلام گلاوزه آفرینش ضیاآ مرتضوی وضعیت ویراست: [ویرایش ۲] مشخصات نشر: تهران حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات ۱۳۷۷. مشخصات ظاهری: ص ۱۷۶ فروست: (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۲۹: کتابهای مجله پیام زن ۸) وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: این کتاب قبلا- تحت عنوان گل‌واژه آفرینش سه اربعین پیرامون شخصیت حضرت فاطمه ع جایگاه و حقوق زن وظایف همسری منتشر گردیده است یادداشت: پشت جلد به انگلیسی - Ziya Mortazavi. Fatema (S. A.) Colwace - ye Afarinesh. یادداشت: چاپ هشتم ۱۳۸۰/۸۰۰۰ ریال ISBN ۹۶۴-۴۲۴-۹۲۴-۰ یادداشت: کتابنامه ص [۱۷۳] - ۱۷۶ موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۱۳؟ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث موضوع: زنان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی -- احادیث موضوع: زنان (همسر) موضوع: زنان -- وضع حقوقی و قوانین (فقه شناسه افزوده: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات رده بندی کنگره: ۲۸/۲۷/BP۱۳۷۷۸ گ/۱۳۷۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۸-۲۱۶۵۸

مقدمه‌ای بر چاپ هفتم با ویرایش جدید

پیامبر اکرم (ص): من حفظ علی امتی اربعین حدیثا ینتفعون بها فی امر دینهم، بعثه یوم القیامه فقیها عالما. «بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۶». آنچه پیش روی دارید، مجموعه‌ای است از روایات که در سه زمینه «شخصیت حضرت فاطمه (س)»، «زن، جایگاه و مسؤولیت»، و «خانواده و مسؤولیتها» در قالب سه «چهل حدیث» گزینش شده است. مجموعه‌ای که به همراه ترجمه روایات و پاره‌ای توضیحات تلاش می‌کند چهره‌ای هر چند اجمالی را از سه موضوع یاد شده در سخنان اهل بیت (ع) نشان دهد. در این مجموعه که از منابع روایی شیعه و سنی گردآمده تلاش شده است حتی الامکان روایات مورد نظر به گونه‌ای منسجم، گزینش شود و تنظیم گردد و با افزودن پاره‌ای توضیحات، خواننده در دستیابی به پیام روایات و نتیجه‌گیری، همراهی شود. آوردن عناوین و سرفصلها نیز می‌تواند به شکلی گزیده‌تر، پیام اصلی این روایات را برساند. کاری از این دست، چه بسا در نگاه برخی، امری آسان آید، اما آنان که با منابع روایی و کار بازگو کردن آنها برای عموم، انس دارند، می‌دانند که گزینش و پردازش روایات امری است دشوار و ظریف، بویژه اگر در محدوده موضوعاتی باشد که دیدگاههای مختلف را به سوی خود جلب کرده است. موضوع زن و خانواده در این مجموعه، از همین دست است. از این روی، گزینش اولیه حدود دو سوم روایات این مجموعه، با همکاری جمعی از دوستان محترم در واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی صورت گرفت. چاپهای اولیه این کتاب، نخست با عنوان «گلاوزه آفرینش» تقدیم علاقه‌مندان شد و ناشر محترم در چاپ ششم، عنوان مناسب «فاطمه (س)»، گلاوزه آفرینش» را جایگزین نام اولیه نمود. آنچه اینک در هفتمین چاپ ارائه می‌شود همراه با تجدیدنظری کلی و ویرایشی دوباره است که برخی اصلاحات و افزوده‌ها را نیز در بر دارد. در بازنویسی دوباره این مجموعه، افزون بر اصلاحات عمده در عبارات و پاره‌ای اصلاحات در محتوا، برخی روایات نیز جایگزین یا تکمیل شده است. آنچه در مدخل بخش نخست آمده نگاهی است به روایات بخش نخست کتاب که اختصاص به شخصیت بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه (س) دارد. و آنچه در این چاپ، در پایان کتاب به عنوان ضمیمه آمده، پژوهشی کوتاه در باره تاریخ ولادت آن حضرت (س) است که می‌تواند برای علاقه‌مندان این دست مباحث مفید افتد. در اینجا لازم است از سرکار خانم عدرا انصاری و حجج اسلام، آقایان محمود آخوندی، عبدالرحمن انصاری، احمد بحرینی، حسین محمدی و محمود مشایخی که در گزینش اولیه بیشتر روایات بذل همت نموده و همراهی کردند صمیمانه سپاسگزاری کنم. قم - سیدضیاء

مرضوی مهرماه ۱۳۷۷

شخصیت حضرت فاطمه (س)

از کرانه کوثر

فاطمه! ای گلواژه آفرینش! کجا زبان ما را رسد که وصف تو گوئیم و کجا به اندیشه ما آید که ذکر تو آریم، و کجا توان قلم بود که نقش حسن تو نویسد و کدام آینه است که درخشش نور تو را بتاباند. فاطمه! ای بزرگ بانو! ای نام تو، جامع کمالات که گویای عصمت آتش سوز توست. ای آن که دامت، رسالت سردار توحید را پرورد. ای آن که مهر رخت، خورشید فروزان مریم و آسیه و خدیجه را فزونتر است، چرا که جهان بانوان را تو سروری. ای آن که شهد شهادت سوزانت را از چشمه صداقت و اخلاص چشیده‌ای. ای آن که بر گرده گیتی، دوریحانه مصطفی (ص) را مادری، پس نقش آفرین کربلای ۶۱ تویی، آری تویی. ای آنکه بر در بهشت، نامت نقش بسته است، تو مظهر خشم خدایی، تو جلوه گاه رضای حق. و تو ای نامت، زینت آرای آستانه بهشت، تو چه دیدی؟ چه کشیدی که جز خدای، خبر ندارد! آن فرشته که تسلیت بخش دل آزرده و به غم نشستات بود، چه می گفت؟ چگونه تسلیت می داد؟ فاطمه! ای دختر رسالت! ای به حق واصل! ای ناجی شانه‌های در بند بردگی! همه می گفتند: این دختر رسول خداست، او فرزند رهبر ماست. ولی تو یادگار همسرت را از گردنت باز می کنی، و گردنی را با بهای آن آزاد می سازی، چرا که مایه مسرت قلب پیامبر است. فاطمه! ای زایر قبر شهیدان! تو گلواژه شهادتی. تو بهشتیان را جلوداری. تو مظهر حیایی. چه کسی را رسد که فردای قیامت در مسیرت سر بر آرد. ای خلاق! سر فرود آرید! چشم فرو بندید که حیا می آید. پس چگونه بود که همین دیروز، آری آن روز که در سوگ بودی، تو را حرمت نداشتند؟ چه کسی در خانه توحید را پاس نداشت؟ چه کسی جمع بهشتیان را پریشان کرد؟ تو را پدر، «شافعه» خواند چرا که بانوان بهشتی به شفاعت تو در بهشت خانه گزینند. فاطمه! ای واژه خوشبختی! تو واژه خوشبختی را معنا بخشیدی. تو توحید را خانه داری کردی. دستی که چرخ هدایت را می گرداند، همو آسیای کوچک خانه خویش را برای پخت گرده نانی می چرخاند. شاهدش دست پینه بسته و تاول زده است. همو که در کنار خندق برای پدر، گرده نانی می برد، و همو که شمشیر مجاهد مردی چون علی مرتضی (ع) را می شوید، و همو که در دفاع از ولایت و فدک که مظهر افشای دوزخیان و دشمنان سامری نسب بود، به خطابه می نشیند، آری، همو غنچه دامن خویش را به سینه می چسباند تا از گریه باز ایستد و مهر مادر بچشد. فاطمه! ای ام ایها! تو پاره تن پدر بودی. تو را می بوسید و تو نیز می بوسیدی. می بویید، به جای خویش می نشاند، آخرین وداعش با تو بود و اولین خیر مقدم از تو. چرا تو عزیزترین مردم برایش بودی؟ آیا چون فقط دخترش بودی! او که دختران دیگر نیز داشت. تو را از بهشت گرفته بود و دامت جایگاه شکوفه‌های سرخ ولایت کبرای حق بود. تو جوابگوی پرسشی بودی که دیگران مانده بودند. بازو و پهلویت، نشان از مرزبانی حریم ولایت و امامت دارد. فاطمه! ای پاره وجود مصطفی! در کنار خندق بر تو چه گذشت؟ برای پدر چه آورده بودی؟ خودت گفتی: «نانی است که برای فرزندم پخته‌ام، تکه‌ای از آن را برای شما آوردم». پاسخ پدر با دل تو چه کرد؟ «ای دخترم! بدان که این اولین غذایی است که بعد از سه روز در کام پدرت جای می گیرد». فاطمه! ای گلبنگ ولایت! تا تو می خروشیدی و تا بر منافقان بانگ برمی آوردی، کسی را یارای سلطه بر ولی خدا نبود. تو «ام ایها»ی پدر و همچون او، رکن همسر بودی، و چه زود این دو استوانه ولی (ع) فرو ریخت. خوانده‌ایم که تو بعد از پدر، تبسم را از میان بردی. تو دیگر نخندیدی، خنده که هیچ، حتی تبسمی نمودی، جز یک تبسم پر معنا! برای چه بود؟ مگر آنگاه که شبه تابوت ساخته دست دوست وفادارت «اسماء» را دیدی، کدام آرزویت را جامه عمل یافته می دیدی؟ شاید پیکرت را در آن، مصون از دیده بیگانه می دیدی که بر این حسن قضا لبخند می زد. مگر در آن دل شب، چند نفر به

مشایعت بدن پاکت می آمدند؟ و شاید هم لحظه «لحاق» موعود را در ذهنت نقش بسته می دیدی. تو نظاره گر چه عالمی بودی که بر آن لبخند می زدی. نیک می دانیم که تو پایان غم هجران پدر را و لقای پروردگارت را در آن می دیدی. تو از پیراهن پدر چه می بوییدی که مدهوش می افتادی. تو یاد صدای مؤذن پدر کردی؛ مگر آن صدا یاد آور چه خاطراتی بود؟ بلال که دیگر بنای اذان گفتن نداشت، ولی چه کند که پاره تن مصطفی (ص) خواسته است. پس چرا این صدا در گوش مؤذن پیچید که: بلال! ادامه نده، که فاطمه (ع) جان داد! فاطمه! ای راز سر به مهر! تو مگر یگانه یادگار اشرف کاینات نبودی؟ چرا کسی نباید از درد تو آگاه باشد؟ گویا تو با این سکوت، با عالمی سخن داری؛ سخن از ظلم نفاق پیشگان؛ سخنی در سکوت؛ سکوت شبهای علی (ع) که پرستاریت می کرد؛ سکوت غسل شب و دفن شب و پنهانی قبر. تو با علی (ع) که سرور سینه اش بودی، چه رازی، چه سری، چه عهدی داشتی که با گونه های تر، مقابل قبر مصطفی (ص) از قلت شکیبایی خود، در غم فراق سخن می گوید؟ راستی ای جلوه گاه صبر و رضا! مگر آن روز که نشان قهرمانی را به بازویت گرفتی، به علی (ع) نگفتی که چه گذشت؟ مگر به او نگفته بودی که استخوان پهلو، ضربه دیده است؟ های! خلائقی که در قیامت، در معبر عبور فاطمه (ع) سر به زیر و چشم بر هم می نهید، آیا می نگرید که سامری مسلکان، بر بازوی فرزند «و ما رمیت اذ رمیت، ولکن الله رمی» چه فرود می آورند؟ آیا می شنوید ناله جانسوز فرزند «و ماینطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی» را که چه سان میان در و دیوار کمک می طلبد؟ فاطمه! ای کوثر حیات! حیات تو، شهادت تو، قبر تو، همه و همه، افشاگر خط سامری صفتان است. ای مقتدای ما! خط سرخ شهادت را ملت ما، که امامشان آنان را فرزندان معنوی کوثر تو خواند، از تو و گلهای دامن گرفته اند. نیک می دانیم که حضور تو در صحنه محشر، محشر دیگر است. آنگاه که قایمه عرش را به دست می گیری و داوری خون گل کربلایت را خواهانی. به خدای کعبه سوگند که حق از آن تو است، و بهشت در انتظارت. آنک دلمان به حضور تو خوش است؛ ما را دریاب.

نامگذاری

۱. پیامبر اکرم (ص): انی سمیت ابنتی «فاطمه» لان الله عز و جل فطمها و فطم من احبها من النار (۱). من دخترم را «فاطمه» نامیدم زیرا خدای عز و جل او و کسی را که دوستدار او باشد از آتش جدا و دور کرده است. ۲. امام صادق (ع): کانت کنیه فاطمه بنت رسول الله (ص) ام ایها (۲). کنیه فاطمه دختر رسول خدا (ص) «ام ایها» بود. در میان عرب رسم است که علاوه بر نام و لقب، از «کنیه» نیز برای تکریم و احترام به شخص استفاده می شود و این کار بیشتر با اضافه نمودن کلمه «اب» یا «ام» به نام نخستین فرزند، صورت می گیرد، ولی در اینجا فاطمه (س) با کنیه «مادر پدر» که نشان دهنده عظمت و نقش آن حضرت در بقا و توسعه رسالت پدر بزرگوارش است خطاب می شود.

برترین بانو

۳. مفضل بن عمر: قلت لابی عبدالله (ع): اخبرنی عن قول رسول الله (ص) فی فاطمه «انها سیده نساء العالمین» اهی سیده نساء عالمها؟ فقال: ذاک لمریم، کانت سیده نساء عالمها، و فاطمه سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین (۳). در باره این گفته رسول خدا (ص) که «فاطمه، بانوی بزرگ زنان عالم است» به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا او بانوی بانوان عصر خود است؟ فرمود: این برای مریم است که بزرگ بانوی دوران خود بود. فاطمه بانوی بانوان همه روزگاران، از ابتدا تا انتها است. ۴. پیامبر اکرم (ص) هنگامی که در بیماری وفاتش، بی تابی فاطمه (ع) را مشاهده کرد فرمود: یا فاطمه! الا ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامه و سیده نساء المؤمنین؟ (۴). ای فاطمه! آیا خشنود نیستی که تو برترین بانوی جهان، و برترین بانوی این امت، و برترین بانو در میان مؤمنان باشی؟ در این زمینه روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است.

. آنچه به زهرای مرضیه (ع) این مقام و جایگاه را می‌دهد اتصاف به ملکات فاضله و علم و ایمان و تقوا و در یک کلمه، معرفت به خداوند تعالی و مقام عصمت است.

سرفصل صداقت و شهادت

۵. امام کاظم (ع): ان فاطمة (ع) صدیقه شهیده (۵؛). همانا فاطمه (ع)، صدیقه‌ای شهید است.

پنجه آفرینش و برگزیدگان توحید

۶. پیامبر اکرم (ص): الحسن و الحسین خیر اهل الارض بعدی و بعد ابی‌هما و امهما افضل نساء اهل الارض (۶؛). حسن و حسین بعد از من و پدرشان، بهترین مردم روی زمین هستند و مادرشان فاطمه، برترین زنان اهل زمین است. ۷. پیامبر اکرم (ص): لیلة عرج بی الی السماء رایت علی باب الجنة مكتوبا «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی حب الله و الحسن و الحسین صفوة الله، فاطمة خیرة الله، علی باغضهم لعنة الله (۷؛). شبی که به آسمان عروج داده شدم دیدم بر در بهشت نوشته است: «لا اله الا الله، محمد رسول خدا، علی محبوب خدا، حسن و حسین برگزیده خدا، و فاطمه انتخاب شده خداوند است و لعنت خداوند بر آن کس باد که بغض آنان را داشته باشد».

محور خشم و خشنودی خداوند

۸. علی (ع): رسول خدا (ص) به فاطمه فرمود: ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک (۸؛). همانا خداوند به خشم تو خشم می‌کند و به خشنودی تو خشنود می‌شود. روایات در زمینه محوریت خشم و خشنودی حضرت فاطمه (ع) از طریق منابع شیعی و سنی بسیار است (۹). روشن است کسی که جز خدا را در عالم نمی‌بیند و در برابر او تسلیم مطلق است و اراده‌ای جز اراده خداوند ندارد، قهرا رضای او رضای حق و خشم او خشم حق خواهد بود و او انسان کاملی است که رفتار و کردار او، امام و اسوه و حجت خلق خدا خواهد گشت.

سبزی زهرا (س) و دشمنی بنی‌امیه

حضرت فاطمه (س) محور خشنودی و خشم خداوند است. پاره وجود مصطفی (ص) و سرور بانوان عالم است، اما دشمنان اهل بیت (ع) حتی از اینکه «خرفه» که نوعی سبزی خودرو و مورد علاقه حضرت فاطمه (س) بود و به نام آن بزرگوار شهرت یافته بود، یاد آور نام و خاطره حضرت زهرا (س) باشد نگران بودند و از سر دشمنی و کینه، تلاش کردند نام آن را برگردانند تا همین اندک نیز نام و شخصیت اهل بیت (ع) بویژه فاطمه زهرا (س) را در خاطره‌ها زنده نکند، و این کاری بود که بنی‌امیه کردند و از تغییر نام یک سبزی نیز فروگذاری نمودند. این واقعیت دردآوری است که در روایت بعدی آمده است. ۹. فرات بن احنف: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرماید: لیس علی وجه الارض بقله اشرف و لا انفع من الفرفخ و هو بقله فاطمة (ع). ثم قال: لعن الله بنی‌امیه، هم سموها بقله الحمقاء بغضا لنا و عداوة لفاطمة (ع) (۱۰؛). بر روی زمین، سبزی‌ای شریفتر و سودمندتر از خرفه نیست، و این سبزی فاطمه (ع) است. سپس فرمود: خدا لعنت کند بنی‌امیه را! آنها از سر کینه با ما و به خاطر دشمنی با فاطمه (ع) آن را «سبزی نادان» نامیدند.

هدیه مادر

۱۰. حماد بن عثمان: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرماید: تظهر زنادقه سنه ثمانیه و عشرين و مائه و ذلك لاني نظرت في مصحف فاطمة. قال: فقلت: و ما مصحف فاطمة؟ فقال: ان الله تبارك و تعالی لما قبض نبيه (ص) دخل علی فاطمة من وفاته من الحزن ما لا يعلمه الا الله عز و جل، فارسل اليها ملكا يسلي عنها غمها و يحدثها، فشكت ذلك الى امير المؤمنين (ع) فقال لها: اذا احسست بذلك و سمعت الصوت، قولي لي. فاعلمته فجعل يكتب كل ما سمع حتى اثبت من ذلك مصحفا. قال: ثم قال: اما انه ليس من الحلال و الحرام، و لكن فيه علم ما يكون (۱۱). در سال ۱۲۸ عده‌ای ملحد آشکار خواهند شد و این پیش‌بینی را در مصحف فاطمه دیدم. حماد می‌گوید: گفتم: مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: هنگامی که رسول خدا (ص) وفات یافت حزن فاطمه به قدری بود که جز خدا کسی از آن آگاه نیست، لذا خدای متعال فرشته‌ای را فرستاد تا او را تسلی دهد و با او گفتگو کند؛ فاطمه (ع) جریان را برای امیرالمؤمنین (ع) اظهار کرد؛ حضرت (ع) به او فرمود: هر گاه حضور فرشته را احساس کردی و صدایی شنیدی، به من بگو. فاطمه (ع) نیز او را باخبر ساخت و علی (ع) اقدام به نوشتن آنچه می‌شنید نمود تا اینکه به این طریق مصحفی را پدید آورد. حماد بن عثمان می‌گوید: سپس حضرت صادق (ع) فرمود: آگاه باش که در این مصحف مسایل حلال و حرام وجود ندارد بلکه در آن اخبار آینده است. در روایات زیادی، موضوع مصحف حضرت زهرا (ع) مطرح شده است و امامان (ع) در موارد متعددی، مستند فرمایشهای خود را همین مصحف شمرده‌اند، و ظاهراً این کتاب شریف، دست‌به‌دست در خانواده‌های بیت (ع) می‌گشته و تنها در اختیار آن بزرگواران بوده است.

سودای فاطمه (ع)

۱۱. امام رضا (ع) به واسطه پدران بزرگوار خویش از امام سجاد (ع) نقل می‌کند: حدثني اسماء بنت عميس، قالت: كنت عند فاطمة جدتك اذ دخل رسول الله (ص) و في عنقها قلادة من ذهب كان علي بن ابي طالب (ع) اشتراها له (۱۲) من فيء له؛ فقال النبي (ص): لا- يغرنك الناس ان يقولوا «بنت محمد» و عليك لباس الجبابة! فقطعتها و باعتها و اشترت بها رقبة فاعتقتها فسر رسول الله (ص) بذلك (۱۳). اسماء بنت عميس براي نقل کرد که در حضور جدات فاطمه (ع) بودم که رسول خدا (ص) داخل شد؛ در حالی که گردنبندی طلائی که علی بن ابی‌طالب (ع) از سهمیه خود برای فاطمه (ع) خریده بود، در گردنش بود. پیامبر (ص) به او فرمود: مبادا مردم با این گفته که «دختر محمد است» تو را مغرور سازند اما بر تن تو لباس زورمندان باشد. از این رو فاطمه (ع) آن را از گردنش جدا کرد و فروخت و با آن، بنده‌ای را خریده و آزاد کرد، و رسول خدا (ص) نیز به خاطر این کار شادمان گشت.

کلوآزه در گلزار شهیدان

۱۲. امام صادق (ع): ان فاطمة (ع) كانت تاتي قبور الشهداء في كل غداة سبت فتاتي قبر حمزة و تترحم عليه و تستغفر له (۱۴). فاطمه (ع) هر صبح شنبه، به زیارت قبور شهدا [در احد] می‌آمد و کنار قبر حمزه قرار می‌گرفت و برای او طلب رحمت و مغفرت می‌نمود. نکته قابل توجه اینکه، حضرت (س) ضمن اینکه ادای احترام به شهدا و حضور در کنار قبرشان و یادآوری جانفشانی آنان را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند و در کنار قبر حمزه سیدالشهدا به دعا می‌نشیند، ولی در عین حال، زمان مناسبی را انتخاب می‌کند که می‌توان آن را جزء خلوت‌ترین روزهای هفته دانست چرا که در روزهایی چون پنجشنبه یا جمعه، دیگران نیز در کنار قبور شهدا حضور می‌یابند. ناگفته پیداست این درسی برای همه بانوان پیرو او است که در عین ایفای وظایف اجتماعی، در حفظ شؤون اسلامی تلاش کنند.

جلودار بهشتیان

۱۳. پیامبر اکرم (ص): اول شخص یدخل الجنة فاطمة (س) (؛ ۱۵). نخستین فردی که داخل بهشت می‌شود فاطمه (س) است.

سر فرود آرید که «او» می‌گذرد

۱۴. عایشه از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند: اذا كان يوم القيامة نادى مناد يا معشر الخلائق! طاطؤوا رؤوسكم حتى تجوز فاطمة بنت محمد (ص) (؛ ۱۶). در هنگامه قیامت، منادی‌ای، ندا می‌دهد: ای انبوه مردمان! سرهایتان را به زیر اندازید تا فاطمه دختر محمد (ص) بگذرد. همین موضوع را در روایت بعدی، به گونه‌ای مشروح‌تر می‌خوانیم: ۱۵. پیامبر اکرم (ص): اذا كان يوم القيامة نادى مناد من بطنان العرش: يا اهل الجمع! نكسوا رؤوسكم و غضوا ابصاركم حتى تمر فاطمة بنت محمد (ص) على الصراط. فتمر مع سبعين الف جارية من الحور العين كمرالبرق (؛ ۱۷). به هنگامه قیامت، منادی‌ای از میان عرش صدا می‌زند که ای اجتماع‌کنندگان! سرهایتان را به زیر اندازید و چشمانتان را ببندید تا فاطمه دختر محمد (ص) از صراط عبور کند. آنگاه حضرت (س) به همراه هفتاد هزار کنیز از حوریان بهشتی، به سرعت برق می‌گذرد. فردای محشر نیز به حرمت عبور صدیقه کبرا (ع) سرهای خلائق به‌زیر می‌افتد و پلکها بر هم زولی چگونه بود که جمعی حرمت او را پاس نداشتند و به جای تعزیت و تسلیت سوگ پدر، بر سینه و پهلویش نشانه‌هایی از در سوخته خانه‌اش را نقش بستند! «تبت یدا ابی لهب و تب!».

بانوی بانوان و شفاعت زنان

۱۶. پیامبر اکرم (ص) در ضمن روایتی: ... فایما امرأة صلت فی الیوم و اللیلة خمس صلوات و صامت شهر رمضان و حجت بیت الله الحرام، و زکات مالها و اطاعت زوجها، و والت علیا بعدی، دخلت الجنة بشفاعه ابنتی فاطمة، و انها لسيدة نساء العالمین (؛ ... ۱۸). «هر زنی که در شبانه‌روز، نمازهای پنجگانه را به جای آورد، ماه رمضان را روزه بدارد، حج‌خانه خدا را [اگر توانایی داشت] گزارد، زکات مالش را بپردازد، از شوهرش اطاعت کند، و بعد از من، ولایت و حکومت علی را بپذیرد، به شفاعت دخترم فاطمه، وارد بهشت خواهد شد و همانا فاطمه، سرور زنان عالم است. همان گونه که در روایات متعدد دیگر نیز آمده، ارزش ادای نماز و روزه و حج و سایر واجبات عملی، مبتنی بر پذیرش ولایت اهل بیت (ع) است و شفاعت نیز بر اساس ادای این وظایف است اما با ولایت که درحقیقت، روح و جان اعمال است، همان که حضرت فاطمه (ع) نیز به خاطر آن به شهادت رسید، چرا که مدافع حریم و حرمت آن بود. او که محور خشم و خشنودی خداوند است و او که پاره تن پیامبر (ص) است و او که «سیده» زنان عالم است، فردای قیامت نیز اعمال صالح به شفاعت او است که راهگشای بهشتیان خواهد بود.

فقط علی (ع) همسان فاطمه (س) بود

۱۷. امام صادق (ع): لولا ان الله تبارک و تعالی خلق امیر المؤمنین (ع) لفاطمة ما كان لها كفو علی ظهر الارض من آدم و من دونه (؛ ۱۹). اگر خدای تبارک و تعالی امیر المؤمنین (ع) را برای فاطمه خلق نکرده بود، برای او بر روی زمین، از آدم گرفته تا دیگران، همتایی وجود نداشت. فاطمه (س) که سلاله توحیدمدارانی چون ابراهیم خلیل (ع) است، و او که دامنش جایگاه پرورش اولیای دین و ضامن بقای رسالت پدر بزرگوارش است، همسر و همتایی جز شیر بیشه توحید، امیر المؤمنین (ع) نخواهد داشت و این چنین است که ازدواجش نیز به امر حق تعالی است؛ چنان که در روایت بعدی آمده است.

ماموریت الهی

۱۸. پیامبر اکرم (ص): ما زوجت فاطمة الا [بعد] ما امرنی الله عز و جل بتزویجها (۲۰). فاطمه را شوهر ندادم مگر پس از آنکه خدای عز و جل مرا مامور شوهر دادن او کرد. و این چنین بود که خداوند، نخست او را در عالم اعلا به همسری علی (ع) در آورد و آنگاه در زمین تحقق یافت.

پیوند در عرش

۱۹. پیامبر اکرم (ص): اتانی ملک فقال یا محمد! ان الله یقرا علیک السلام و یقول لک: انی قد زوجت فاطمة ابتک من علی بن ابی طالب فی الملا الاعلی، فزوجها منه فی الارض (۲۱). فرشته‌ای نزد من آمد و گفت: خداوند بر تو سلام می‌فرستد و می‌گوید: من دختری فاطمه را در عالم بالا، به همسری علی بن ابی‌طالب در آوردم، تو نیز در زمین او را به همسری او در آور.

کلوازه خوشبختی

۲۰. روزی پیامبر (ص) بعد از ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) به خانه آنان رفت و از علی (ع) پرسید: کیف وجدت اهلک؟ قال: نعم العون علی طاعة الله. همسرت را چگونه یافتی؟ عرض کرد: بهترین یاور برای اطاعت خداوند. سپس همین پرسش را از فاطمه (س) کرد. فاطمه (س) عرض کرد: خیر بعل (۲۲). آن را بهترین شوهر یافتم. چه زیباست که امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به پرسش پیامبر (ص) همه‌خوبیها و مکارم همسرش را در این جمله کوتاه، ولی بسیار گویا بیان می‌کند و او را بهترین یار و یاور در ادای وظیفه و اطاعت خدای تبارک و تعالی معرفی می‌کند. زیرا ملاکی که به زندگی آن دو بزرگوار معنا می‌بخشد و آنان ازدواج خود را در سایه آن، موفق می‌دانند، همکاری و همراهی در طاعت الهی است و بس.

خانه‌داری خانه توحید

۲۱. زهری، از راویان و عالمان اهل سنت: لقد طحنت فاطمة بنت رسول الله (ص) حتی مجلت یدها و ربی و اثر قطب الریحی فی یدها (۲۳). فاطمه، دختر رسول خدا (ص) آن قدر دستاس کرد که دستش تاول زد و جای چوب آسیاب در دستش بالا آمد و پینه بست.

غنچه می‌پرورد

۲۲. انس بن مالک: بلال در نماز صبح تاخیر کرد و از آن باز ماند. پیامبر (ص) به او فرمود: ما حبسک؟ فقال: مررت بفاطمة [ع] و هی تطحن و الصبی یبکی، فقلت لها: ان شئت کفیتک الریحی و کفیتی الصبی، و ان شئت کفیتک الصبی و کفیتی الریحی. فقالت: «انا ارفق بابنی منک». فذاک حبسنی. قال: فرحمتها رحمک الله (۲۴). چه چیز مانع آمدنت شد؟ عرض کرد: به فاطمه (ع) برخوردیم که در حال دستاس کردن بود و پسر بچه‌اش گریه می‌کرد. به او گفتم: اگر بخواهی من به جای شما عهده‌دار دستاس کردن می‌شوم و شما عهده‌دار بچه، و اگر هم بخواهی من بچه را نگه می‌دارم و شما دستاس کن. فاطمه فرمود: «من از تو به پسر مهربانتر و مناسبترم». این کار، مرا از نماز اول وقت باز داشت. پیامبر (ص) فرمود: پس تو به فاطمه (ع) مهربانی کردی، خداوند تو را رحمت کند. حضرت زهرا (س) همه سعی خویش را در فراهم نمودن محیط طاعت و بندگی خود، شوهر و فرزندانش، به کار می‌بندد و در تقسیم کاری که پیامبر (ص) برای آن دو بزرگوار کرده و کارهای داخل خانه را به او،

و کارهای بیرون را به علی (ع) واگذار کرده بود، به خوبی در انجام دادن آن تلاش می‌کرد و آن را مغایر مقام معنوی و علمی و موقعیت اجتماعی خود نمی‌دانست؛ بلکه آن را یکی از زمینه‌های تحقق رضایت حق تعالی می‌شمرد و تاول زدن دستهای مبارکش نیز، مانعی برای تلاش داخل خانه نبود. او به بچه‌داری و تربیت فرزندانش عشق می‌ورزید. لذا حتی برای چند لحظه نیز راضی به ترک آن نیست و در آن چند لحظه نیز، کار آسیاب کردن را به بلال وا می‌گذارد و خود به آرام کردن فرزند و رسیدگی به اومی پردازد.

کنار باغبان توحید

۲۳. عایشه نقل می‌کند: و کانت (فاطمه) اذا دخلت علی النبی (ص) قام الیها فقبلها واجلسها فی مجلسه، و کان النبی (ص) اذا دخل علیها قامت من مجلسها فقبلته و اجلسته فی مجلسها (۲۵). زمانی که فاطمه (ع) بر پیامبر (ص) وارد می‌شد، پیامبر (ص) به سوی اومی رفت و او را می‌بوسید و در جای خود می‌نشاند، و آنگاه که پیامبر (ص) وارد بر او می‌شد، از جایش برمی‌خاست و پیامبر (ص) را می‌بوسید و در جای خویش می‌نشاند. ۲۴. ثوبان، بنده آزاد شده پیامبر (ص): کان رسول الله (ص) اذا سافر کان آخر عهده بانسان من اهله فاطمه (ع) و اول من یدخل علیه اذا قدم فاطمه (ع) (۲۶). رسول خدا (ص) آنگاه که به مسافرت می‌رفت، آخرین شخصی را که از خانواده‌اش می‌دید و وداع می‌کرد فاطمه (ع) بود، و آنگاه که برمی‌گشت، بر اولین کسی که وارد می‌شد فاطمه (ع) بود.

سرور سینه سردار توحید

۲۵. پیامبر اکرم (ص): فاطمه بضعة منی. من سرها فقد سرنی و من ساءها فقد ساءنی. فاطمه اعز الناس علی (۲۷). فاطمه پاره وجود من است. هر کس او را شاد کند مرا شاد کرده و هر کس به او بدی کند به من بدی کرده است. فاطمه عزیزترین مردم برای من است. روشن است محبتی که پیامبر (ص) به فاطمه (ع) داشت و احترام خاصی که برای او قایل بود تنها بدان جهت نبود که او دختر اوست چرا که پیامبر (ص) دختران دیگری هم داشت؛ بلکه به جهت ویژگی‌هایی بود که زهرا (ع) را از سایر زنان عالم ممتاز می‌کرد. از روایات متعددی که در این باره در کتابهای شیعه و سنی وجود دارد استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) به مناسبت‌های مختلف و در موارد متعدد، حقیقت مذکور را بیان می‌فرموده است. روایت بعدی یکی دیگر از این موارد است.

پاره وجود مصطفی (ص)

۲۶. انس بن مالک: قال رسول الله (ص): ما خیر للنساء؟ فلم ندر ما نقول؟ فسار علی (ع) الی فاطمه فاخبرها بذلک. فقالت: فهلا قلت له: خیر لهن ان لا یرین الرجال و لا یرونهن! فرجع فاخبره بذلک. فقال له: من علمک هذا؟ قال: فاطمه. قال: انها بضعة منی (۲۸). رسول خدا (ص) فرمود: چه چیزی برای بانوان بهتر است؟ ما ندانستیم چه بگوییم. علی پیش فاطمه رفت و او را از این جریان باخبر کرد. فاطمه گفت: پس چرا به پیامبر نگفتی: برای آنان این بهتر است که نه آنها مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آنها را! علی بازگشت و این پاسخ را به عرض پیامبر (ص) رساند. رسول خدا (ص) فرمود: چه کسی این پاسخ را به تو یاد داد؟ عرض کرد: فاطمه. فرمود: او پاره وجود من است. شنیدن جواب پرسش پیامبر (ص) از زبان مبارک حضرت فاطمه (س)، به عنوان اینکه یکی از زنان است تاثیر خاصی در بانوان خواهد داشت و بدیهی است که منظور، دست کشیدن از وظایف و مسؤولیتهای اجتماعی نیست بلکه بیان یک واقعیت است که هر چه حد و مرز بین زن و مرد در زندگی و جامعه رعایت شود بیشتر به مصلحت بانوان است.

عشق در کنار خندق

۲۷. علی (ع): کنا مع النبی (ص) فی حفر الخندق، اذ جاءته فاطمة (س) بکسرة من خبز فرفعتها الیه، فقال: ما هذه یا فاطمة؟ قالت: من قرص اختبته جثتک منه بهذه الکسرة. فقال: یا بنیه! اما انها لاول طعام دخل فم ابيک منذ ثلاث (۲۹). ما به همراه پیامبر (ص) در جریان حفر خندق بودیم که فاطمه (س) باتکه نانی پیش پیامبر (ص) آمد و آن را به خدمت او برد. پیامبر (ص) فرمود: این چیست، فاطمه؟ عرض کرد: از گرده نانی است که برای دو فرزندم پختم تا این تکه آن را برای شما آوردم. پیامبر (ص) فرمود: دختر عزیزم! هان، این اولین غذایی است که بعد از سه روز وارد دهان پدرت می‌شود. این جریان در حالی که شدت علاقه حضرت فاطمه (س) را به پیامبر (ص) می‌رساند، گویای اوج فداکاری و تحمل دشواریها در صدر اسلام، توسط مسلمانان بویژه پیامبر اکرم (ص) برای دستیابی به اهداف الهی و حفظ حکومت اسلامی است. آنان در شرایط دشوار جنگ خندق، با شکمهای گرسنه، قسمتهای قابل نفوذ مدینه را حفر می‌کنند تا مرکز رسالت و امامت از تعرض دشمن محفوظ بماند. در خانه فاطمه (ع) نیز توشه آن قدر کم است که تنها امکان پختن یک نان برای چند نفر فراهم شده است و آن بزرگوار، توانسته بخشی از آن را تقدیم پیامبر (ص) کند، در حالی که آن حضرت (ص) در سه روز گذشته غذایی نخورده است. همین علاقه است که زهرا (ع) را حتی قبل از رحلت پیامبر (ص) در غم فراق آینده به گریه می‌اندازد. وایت بعدی گویای همین واقعیت است.

اشک در انتظار فراق

۲۸. عبدالله بن عباس: لما حضرت رسول الله (ص) الوفاة حتی بلت دموعه لحیته، فقيل له: یا رسول الله! ما بيكيك؟ فقال: ابكي لذريتي و ما تصنع بهم شرار امتی من بعدی، کانی بفاطمة بنتی و قد ظلمت بعدی و هی تنادی یا ابتاه! فلا يعینها احد من امتی. فسمعت ذلك فاطمة (ع) فبکت. فقال رسول الله (ص): لا تبکين یا بنیه! فقالت: لست ابکی لما یصنع بی من بعدک، و لکنی ابکی لفراقک یا رسول الله! فقال لها: ابشری یا بنت محمد بسرعة اللحاق بی، فانک اول من یلحق بی من اهل بیتی (۳۰). زمانی که رحلت رسول خدا (ص) نزدیک شد، آن حضرت (ص) آن قدر گریه کرد که اشکهایش محاسن او را تر کرد. به آن حضرت (ص) عرض شد: ای رسول خدا! چه چیز مایه گریه شماست؟ فرمود: برای فرزندانم و آنچه که اشرار امتم، بعد از من، بر آنها روا می‌دارند گریه می‌کنم. گویا دخترم فاطمه را می‌بینم که بعد از من براو ستم می‌شود و او صدا می‌زند: «پدرجان!» ولی هیچ کس از امتم او را کمک نمی‌کند. فاطمه (ع) این را شنید، و شروع به گریه کرد. رسول خدا (ص) فرمود: دخترم! گریه نکن. عرض کرد: من به خاطر رفتاری که بعد از شما با من می‌شود گریه نمی‌کنم، بلکه به علت غم فراق شما ای رسول خدا گریه می‌کنم. حضرت (ص) به او فرمود: مژده باد تو را ای دختر محمد که بزودی به من ملحق خواهی شد، چرا که تو اولین کسی از اهل بیتم هستی که به من می‌پیوندي.

پرهیز از نفرین

۲۹. امام باقر (ع) و امام صادق (ع): ان فاطمة (ع) لما کان من امرهم ما کان، اخذت بتلابیب عمر فجدبته الیها ثم قالت: اما والله یا ابن الخطاب! لولا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی ساقسم علی الله ثم اجده سریع الاجابة (۳۱). وقتی شد آنچه شد، فاطمه گریبان عمر را گرفت و کشید و فرمود: هان، به خدا سوگند ای پسر خطاب! اگر من کراهت نمی‌داشتم که افراد بی گناه دچار بلا شوند می‌فهمیدی که من خدای را سوگند می‌دادم، آن گاه او را در اجابت دعایم، پرشتاب می‌یافتم. آنچه بر

اساس این روایت، حضرت فاطمه (س) را از نفرین کردن درباره آنان که به او ستم کردند باز می‌دارد این است که با نزول بلا، افرادی گناه نیز گرفتار آیند. از این رو در روایت دیگری که شرح آمدن حضرت (س) به مسجد، پس از کشاندن علی (ع) به آنجا را بیان می‌کند آمده است که فاطمه (س) در حالی که پیراهن پیامبر (ص) را بر سر گرفته بود و کود کانش را به همراه داشت، تهدید کرد که اگر علی (ع) را رها نکنند موهای خویش را پریشان خواهد ساخت. (۳۲) و در سخن دیگری از امام باقر (ع) آمده است: و الله لو نشرت شعرها ماتوا طرا (۳۳). به خدا سوگند، اگر موهای خویش را آشکار و پریشان می‌ساخت همه آنان می‌مردند.

استوانه ولایت

۳۰. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش، امام باقر (ع) و آن حضرت (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: سمعت رسول الله (ص) يقول لعلی بن ابی طالب قبل موته بثلاث: «سلام علیک یا ابا الریحانتین! اوصیک بریحانتی من الدنیا، فعن قلیل ینهد رکناک و الله خلیفتی علیک». فلما قبض رسول الله (ص) قال علی (ع): «هذا احد رکنی الذی قال لی رسول الله (ص). فلما ماتت فاطمة (ع) قال علی (ع): «هذا الرکن الثانی الذی قال رسول الله (ص) (۳۴). از رسول خدا (ص) سه روز پیش از رحلتش، شنیدم به علی بن ابی طالب می‌فرماید: «سلام بر تو باد ای پدر دو گل خوشبو! تو رابه دو گل خوشبویم از دنیا (امام حسن (ع) و امام حسین (ع)) سفارش می‌کنم چرا که بزودی هر دو رکن تو فرو خواهد ریخت و خداوند عوض دهنده تو است.» پس از آن، موقعی که رسول خدا (ص) رحلت کرد علی (ع) فرمود: این یکی از دو رکن من بود که رسول خدا (ص) به من فرمود. و وقتی فاطمه (ع) رحلت کرد، علی (ع) فرمود: این، رکن دومی بود که رسول خدا (ص) فرمود.

در سوگ پدر

۳۲. امام صادق (ع): عاشت فاطمة بعد رسول الله (ص) خمسة و سبعین یوما لم تر کاشرة و لا ضاحکة؛ تاتی قبور الشهداء فی کل جمعة مرتین: الاثین و الخمیس فتقول (ع): «ها هنا کان رسول الله و ههنا کان المشرکون» (۳۵). فاطمه (ع) بعد از رسول خدا (ص) هفتاد و پنج روز زندگی کرد در حالی که در حال لبخند یا خنده دیده نشد. هفته‌ای دو بار، یکی دوشنبه و دیگری پنجشنبه، به زیارت قبور شهدا [در احد] می‌آمد و می‌گفت: اینجا رسول خدا (ص) بود و آنجا مشرکان قرار داشتند. چنان که یادآور شدیم در تاریخ شهادت حضرت فاطمه (ع) اختلاف است، ولی آنچه بیشتر شهرت دارد همان ۷۵ یا ۹۵ روز است که در برخی روایات نیز آمده است. (۳۶) نکته دیگر آنکه، در روایت سی و پنجم خواهد آمد که صدیقه طاهره (ع) بعد از رحلت پدر بزرگوار خود تنها یک بار لبخند زد. دیگر آنکه، در این روایت، روزهای دوشنبه و پنجشنبه نام برده شده است که حضرت (ع) به زیارت قبور شهدا می‌رفت و این با آنچه در روایت سیزدهم گذشت، منافاتی ندارد چرا که آن حدیث می‌تواند ناظر به قبل از رحلت رسول خدا (ص) باشد در حالی که ظاهر این حدیث، مربوط به بعد از رحلت آن حضرت (ص) است.

اذان ناتمام

۳۳. شیخ صدوق: روی [انه] لما قبض النبی (ص) امتنع بلال من الاذان، قال: لا اؤذن لاحد بعد رسول الله (ص). و ان فاطمة (ع) قالت ذات یوم: انی اشتهی ان اسمع صوت مؤذن ابی (ص) بالاذان، فبلغ ذلك بلالا فآخذ فی الاذان. فلما قال: «الله اکبر، الله اکبر» ذکرت اباها علیه السلام و ایامه، فلم تتمالك من البکاء. فلما بلغ الی قوله: «اشهد ان محمدا رسول الله» شهقت فاطمة (ع) و سقطت لوجهها و غشی علیها. فقال الناس لبلال: امسک یا بلال! فقد فارقت ابنة رسول الله (ص) الدنیا و ظنوا انها قد ماتت. فقطع

اذانه و لم یتمه فافاقت فاطمه (ع) و سالتة ان یتم الاذان ، فلم یفعل و قال لها : یا سیده النسوان ! انی اخی علیک مما تنزلینه بنفسک اذا سمعت صوتی بالاذان . فاعفته عن ذلک (۳۷؛) . نقل شده است وقتی پیامبر (ص) رحلت کرد ، بلال از اذان گفتن امتناع جست و گفت : بعد از رسول خدا (ص) برای هیچ کس اذان نمی گویم . ولی یک روز فاطمه (ع) فرمود : علاقه دارم صدای مؤذن پدرم (ص) را در اذان بشنوم . این خبر به بلال رسید . لذا شروع به اذان گفتن کرد ، ولی هنگامی که گفت : «الله اکبر ، الله اکبر» ، فاطمه (ع) به یاد پدر و دوران او افتاد ، و نتوانست از گریه خودداری کند . و زمانی که به جمله : «اشهد ان محمدا رسول الله» رسید ، فاطمه (ع) فریادی زد و به روی افتاد و بیهوش شد . مردم به بلال گفتند : ای بلال ! دست نگهدار چرا که دختر رسول خدا (ص) از دنیا رفت . و گمان کردند که فاطمه (ع) رحلت کرده است . لذا بلال اذانش را قطع کرده و ناتمام گذاشت ، تا اینکه فاطمه (ع) به هوش آمد و از بلال خواست که اذان را کامل کند ، اما بلال ادامه نداد و به حضرت (ع) عرض کرد : ای سرور بانوان ! من از آنچه شما با شنیدن صدای اذان من بر خود می آوری ، بر شما می ترسم . لذا حضرت (ع) او را معاف داشت .

پیراهن یوسف

۳۴ . علی (ع) : غسلت النبی (ص) فی قمیصه : فکانت فاطمه تقول : ارنی القمیص . فاذا شمته غشی علیها ، فلما رایت ذلک غیبتہ (۳۸) . پیامبر (ص) را در پیراهنش غسل دادم . به همین جهت فاطمه می گفت : پیراهن را به من نشان بده ، و هنگامی که آن را می بویید بیهوش می شد . من هم وقتی این را دیدم آن را پنهان کردم .

دیگر خنده ، هرگز ! جز یک تبسم

۳۵ . ام جعفر بنت محمد بن جعفر : ان فاطمه بنت رسول الله (ص) قالت : یا اسماء ! انی قد استقبحت ما یصنع بالنساء . ان یطرح علی المرأة الثوب فیصفها ، فقالت اسماء : یا ابنه رسول الله ! الا اریک شیئا رایته بالحیثه ؟ فدعت بجرائد رطب فحنتها ثم طرحت علیها ثوبا . فقالت فاطمه : ما احسن هذا و اجمله ! تعرف به المرأة من الرجل . فاذا مت انا فاغسلینی انت و علی و لا یدخل علی احد . فلما توفیت غسلها علی و اسماء رضی الله تعالی عنهم (۳۹؛) . فاطمه به اسماء بنت عمیس فرمود : ای اسماء ! من این را که نسبت به بانوان انجام می شود و [در مراسم بعد از مرگ تنها] پارچه ای روی جنازه زن می اندازند و در نتیجه پوشش لازم را ندارد و جسد نمایان است ، ناروا شمرده و نمی پسندم . اسماء گفت : ای دختر رسول خدا ! آیا چیزی را که در سرزمین حبشه دیدم به شما نشان دهم ؟ پس از آن ، اسماء چوبهای تری را فراهم ساخت ، آنها را خم کرد ، سپس پارچه ای روی آنها انداخت [و تابوتی ساخت] . فاطمه فرمود : چقدر این خوب و زیباست ! چرا که به واسطه آن ، زن از مرد باز شناخته می شود (در نتیجه ، سبب به شؤون جنازه زن رعایت لازم صورت خواهد گرفت) . پس آنگاه که من جان سپردم ، تو و علی مرا غسل دهید و هیچ کس دیگر بر من وارد نشود . زمانی که رحلت کرد ، علی و اسماء او را غسل دادند . همین مضمون را دولابی ، از محدثان اهل سنت ، ذکر نموده و سپس افزوده است : و ما رثت متبسمه - یعنی بعد النبی (ص) - الا - یومئذ (۴۰؛) . بعد از پیامبر اکرم (ص) هیچ گاه با تبسم دیده نشد مگر آن روز که اسماء آن تابوت را ساخت و نشان او داد . چه بسیار غم انگیز و دلخراش است که یگانه دختر پیامبر اکرم (ص) ، تنها لبخندی که بعد از رحلت پدر خود می زند هنگامی است که نگاهش به شبه تابوت خویش می افتد ! گویا به یاد نزدیکی آن روز موعود می افتد . از طرف دیگر ، خیالش آسوده می گردد که بعد از رحلتش ، نگاه بیگانه ای بر او ، هر چند از روی پارچه ، نخواهد افتاد ، با اینکه طبق وصیتش مراسم خاک سپاری ، مخفیانه انجام خواهد شد و تعداد انگشت شماری چون علی (ع) و سلمان و مقداد شرکت خواهند کرد ، با این همه ، نگران نحوه تشییع جنازه و حفظ حرمت شؤون اسلامی خویش است و تنها با دیدن نمونه تابوتی که امکان محافظت کامل او را دارد آرامش می گیرد . در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است که اسماء تختی را آورد ،

آن را وارونه کرد و ترکه‌هایی از درخت خرما را به پایه‌های آن بست و پارچه‌ای روی آن افکند و به حضرت (س) نشان داد . (۴۱) .

کلاوزه پرپر می‌شود

۳۶ . امام سجاد (ع) از پدر بزرگوار خویش ، سیدالشهدا (ع) : لما مرضت فاطمة بنت رسول الله (ص) وصت الی علی ابن ابی طالب (ع) ان یکتُم امرها و یخفی خبرها و لا- یؤذن احدًا بمرضها . ففعل ذلك و كان یمرضها بنفسه و تعینه علی ذلك اسماء بنت عمیس رحمها الله ، علی استسار بذلك كما وصت به . فلما حضرتها الوفاء وصت امیر المؤمنین (ع) ان یتولی امرها ، و یدفنها لیلاً- و یعفی قبرها ، فتولی ذلك امیر المؤمنین (ع) و دفنها و عفی موضع قبرها . فلما نفض یده من تراب القبر ، هاج به الحزن فارسل دموعه علی خدیبه و حول وجهه الی قبر رسول الله (ص) فقال : السلام علیک یا رسول الله ، السلام علیک من ابتکک و حبیبک ، و قره عینک و زائرک ، و البائتة فی الثری بقیعک ، المختار الله لها سرعة اللحاق بک ، قل یا رسول الله عن صفیتک صبری ، و ضعف عن سیده النساء تجلدی ، الا ان فی الناس لی بستک ، و الحزن الذی حل فی لفراقک ، موضع التعزی ، و لقد وسدتک فی ملحود قبرک ، بعد ان فاضت نفسک علی صدری ، و غمضتک بیدی ، و تولیت امرک بنفسی . نعم و فی کتاب الله انعم القبول ، انا لله و انا الیه راجعون ، قد استرجعت الودیعہ ، و اخذت الرهینہ ، و اختلست الزهراء ، فما اقبیح الخضراء و الغبراء ! یا رسول الله ! اما حزنی فسرمد ، و اما لیلی فمسهد ، لا یرح الحزن من قلبی او یختار الله لی دارک التی فیها انت مقیم ، کمد مقیح ، و هم مهیج ، سرعان ما فرق [الله] بیننا ، و الی الله اشکو ، و ستنبئک ابتکک بتظاهر امتک علی ، و علی هضمها حقها فاستخبرها الحال ، فکم من غلیل معتلج بصدرها لم تجد الی بئس سیلا ، و ستقول ، و یحکم الله و هو خیر الحاکمین . سلام علیک یا رسول الله سلام مودع لاسم و لا قال ، فان انصرف فلا- عن ملالہ ، و ان اقم فلا- عن سوء ظنی بما وعد الله الصابرين . الصبر ایمن و اجمل و لولا غلبه المستولین علینا ، لجعلت المقام عند قبرک لزاما ، و التلبث عنده معکوفاً ، و لاعولت احوال الثکلی علی جلیل الرزیة . فبعین الله تدفن بتکک سرا ، و یهتضم حقها قهراً و یمنع ارثها جهراً ، و لم یطل العهد ، و لم یخلق منک الذکر ، فالی الله یا رسول الله المشتکی ، و فیک اجمل العزاء ، فصلوات الله علیها و علیک و رحمۃ الله و برکاته (۴۲) . موقعی که فاطمه دختر رسول خدا (ص) بیمار شد به علی ابن ابی طالب (ع) وصیت کرد که موضوع را سر بسته بدارد و خبر آن را پنهان کند و هیچ کس را از بیماری او مطلع نسازد . حضرت (ع) این کار را کرد و خودش پرستاری فاطمه (ع) می نمود و اسماء بنت عمیس - که خدا رحمتش کند - نیز او را مخفیانه همان گونه که فاطمه (ع) وصیت کرده بود کمک می کرد . هنگامی که رحلتش نزدیک شد به امیر المؤمنین (ع) سفارش کرد که عهده دار مراسم غسل و کفن و دفن شود و او را شبانه به خاک سپارد و قبر او را پوشیده بدارد ، لذا امیر المؤمنین (ع) عهده دار آن شد و او رابه خاک سپرد و آثار محل قبرش را محو کرد . موقعی که دستش را از خاک قبر تکاند ، حزن و اندوه به او فشار آورد و پریشان کرده و به جوشش آورد و اشکهایش را بر گونه‌هایش جاری ساخت و چهره‌اش را به طرف قبر رسول خدا (ص) نمود و عرض کرد : سلام بر تو ای رسول خدا ! سلام بر تو از جانب دخترت و محبوبت ، و نور چشمت و دیدار کننده‌ات ، آن کسی که در بقیع تو (۴۳) ، در خاک خفته است ، و خداوند پیوستن سریع به تو را برای او برگزیده است . ای رسول خدا ! صبرم در غم فقدان دختر برگزیده‌ات کم شد ، و طاقتم به خاطر سرور زنان ، ضعیف گشت . منتها آنچه موجب تسلیت خاطر است ، تاسی من از سنت تو و بار اندوهی است که در غم فراق تو وجودم را در بر گرفت . چرا که من خود ، تو را در شکاف قبر نهادم ، پس از آنکه جانم بر سینه‌ام روان شد و چشمانم را با دست خویش بستم و خودم عهده دار کار به خاک سپاری‌ات شدم . آری ، دلنشین ترین پذیرش ، در کتاب خدا آمده است : انا لله و انا الیه راجعون . [اینک] امانت باز گردانده شد و گرو ، پس گرفته شد ، و شکوفه یکباره ربوده شد و چه زشت است سبزه و زمین . ای رسول خدا ! اندوهم بی پایان است ، و شبم در بیداری است ، اندوه از قلبم نخواهد رفت تا اینکه خداوند

همان خانه‌ای را که تو در آن ساکنی برای من برگزیند. دلشستگی‌ای چرک آور، و اندوهی خشم‌آورو آتش‌افروز. در میان ما چه زود جدایی افتاد! شکایت به خدایم برم، و دخترت از همداستانی امت علیه من و برای ضایع کردن حق او، تو را خبر خواهد داد؛ حال و وضعیت را از او پرس. چه بسیار عقده‌هایی در سینه‌اش به تلاطم آمد اما راهی برای گشودن آن نیافت که خواهد گفت. و خداوند داوری می‌کند و او بهترین داور است. سلام بر تو ای رسول خدا! سلام وداع‌کننده‌ای که نه خسته شده است و نه روی گردان. پس، اگر برمی‌گردم نه به خاطر خستگی است، و اگر بمانم نه به خاطر بدگمانی به وعده‌ای که خداوند به صابران داده است. صبر بهتر و زیباتر است. و اگر نبود تسلط آنان که بر ما چیره شده‌اند، خود را ملازم قبر تو می‌داشتم و ماندن کنار آن را پیشه خودمی‌ساختم و چون مادری که داغ مصیبتی بزرگ دیده، شیون می‌کردم. در برابر چشم خدا، دخترت پنهانی به خاک سپرده می‌شود، و حق اوبه زور ضایع می‌شود، و آشکارا از ارثش باز داشته می‌شود؛ در حالی که هنوز چیزی نگذشته و یاد تو فراموش نشده است. پس شکوه را به خدا می‌برم ای رسول خدا، و تویی مایه زیباترین تسلیت خاطر. درود خدا، و رحمت و برکاتش بر فاطمه و بر تو باد. همین مضمون را مرحوم کلینی با اندکی تفاوت از همین راوی ولی از امام حسین (ع) نقل کرده است. (۴۴).

صدیقه را صدیق غسل می‌دهد

۳۷. مفضل بن عمر: قلت لابی عبدالله (ع): جعلت فداک، من غسل فاطمه؟ قال: ذاک امیر المؤمنین. و کانی استعظمت ذلک من قوله. فقال: کانک ضقت بما اخبرتک به؟ قلت: قد کان ذاک جعلت فداک. قال: فقال: لا تضیقن فانها صدیقه و لم یکن یغسلها الا صدیق؛ اما علمت ان مریم لم یغسلها الا عیسی (۴۵؛). «به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت گردم، چه کسی فاطمه را غسل داد؟ فرمود: غسل دهنده، امیر المؤمنین بود. مفضل می‌گوید: گویا من این امر را دشوار یافتم و برایم سنگین آمد، لذا حضرت فرمود: گویا از آنچه که خبر دادم بر تو گران آمد؟ عرض کردم: بله چنین بود، فدایت شوم. فرمود: هرگز دچار کم‌ظرفیتی نشو، چرا که فاطمه صدیقه‌ای بود که تنها «انسانی صدیق» او را غسل می‌دهد. آیا ندانستی که مریم را کسی جز عیسی غسل نداد؟ ظاهراً منشا تعجب مفضل، این مسأله مورد بحث در فقه است که آیا مرد را زن و زن را مرد، اختیاراً و یا اضطراراً می‌تواند غسل دهد یا نه؟

ظهور خشم و قهر مقدس

۳۸. اصبح بن نباته: سئل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) عن علّة دفنه لفاطمه بنت رسول الله (ص) لیلاً؛ فقال: انها کانت ساخطة علی قوم کرهت حضورهم جنازتها و حرام علی من یتولاهم ان یصلی علی احد من ولدها (۴۶؛). از امیر المؤمنین (ع) در باره علت دفن شبانه فاطمه دختر رسول خدا (ص) به دست او سؤال شد، فرمود: [به خاطر اینکه فاطمه (س) از دست گروهی ناراضی و خشمناک بود و از حضور آنها در تشییع جنازه‌اش رضایت نداشت. و بر هر کس که ولایت و دوستی آن گروه را داشته باشد حرام است که بر احدی از فرزندان فاطمه (ع) نماز بگذارد.

در محکمه عدل با نقش خون

۳۹. امام رضا (ع) از پدران خویش (ع): قال رسول الله (ص): تحشر ابنتی فاطمه (ع) یوم القیامه و معها ثیاب مصبوغه بالدم، تتعلق بقائمه من قوائم العرش فتقول: یا عدل! احکم بینی و بین قاتل ولدی (ولدی). قال رسول الله (ص): فیحکم لابنتی و رب الکعبه و ان الله عزو جل یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاهما (۴۷؛). رسول خدا (ص) فرمود: دخترم فاطمه در روز قیامت با

لباسهایی رنگین به خون، محشور می‌گردد و به پایه‌ای از پایه‌های عرش دست می‌گیرد و می‌گوید: ای خدای عادل! میان من و قاتل فرزندانم (فرزندانم) داوری کن. رسول خدا (ص) سپس فرمود: به خدای کعبه سوگند که خداوند به نفع دخترم داوری می‌کند، و همانا خدای عز و جل به خاطر غضب فاطمه خشم می‌گیرد و به خشنودی او خشنود می‌گردد.

و بهشت به انتظار است

۴۰. پیامبر اکرم (ص): اشتاقت الجنة الی اربع من النساء: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، زوجة فرعون و هی زوجة النبی (ص) فی الجنة و خدیجه بنت خویلد زوجة النبی (ص) فی الدنيا و الآخرة و فاطمة بنت محمد (ص). (۴۸). بهشت مشتاق چهار نفر از زنان است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون که در بهشت همسر پیامبر (ص) است، خدیجه دختر خویلد همسر پیامبر (ص)، و فاطمه دختر محمد (ص).

پی‌نوشتها

۱) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲. ۲) الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۵۲. ۳) معانی الاخبار، ص ۱۰۷. ۴) مستدرک الصحیحین، ج ۲، ص ۴۹۸. ۵) کافی، ج ۱، ص ۴۵۸. ۶) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹. ۷) تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹. ۸) کنز العمال، ج ۷، ص ۱۱۱. ۹) آنچه نقل شد به نقل از یکی از منابع حدیثی اهل سنت است. در منابع شیعی می‌توان به این سخن پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد: ان الله لیغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضایها. «بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹». ۱۰) کافی، ج ۶، ص ۳۶۷. ۱۱) کافی، ج ۱، ص ۲۴۰. «بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۰. ۱۲) ظاهراً «لها» صحیح است، هر چند به شکل «له» نیز می‌توان توجیه نمود. ۱۳) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶. ۱۴) همان، ص ۹۰، به نقل از تهذیب الاحکام. ۱۵) میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۳۱. ۱۶) تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۱. ۱۷) الصواعق المحرقة، ص ۱۹۰. ۱۸) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴. ۱۹) کافی، ج ۱، ص ۴۶۱. ۲۰) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۴. ۲۱) ذخائر العقبی، ص ۳۱. ۲۲) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷. ۲۳) حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۴۱. ۲۴) مسند احمد، ج ۳، ص ۱۵۰. ۲۵) صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹. ۲۶) مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۵. ۲۷) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳. ۲۸) حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۴۰. ۲۹) ذخائر العقبی، ص ۴۷. ۳۰) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۶. ۳۱) کافی، ج ۱، ص ۴۶۰. ۳۲) مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۳ و نیز همین مضمون: کافی، ج ۸، ص ۲۳۸. ۳۳) کافی، ج ۸، ص ۲۳۸. ۳۴) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳. ۳۵) همان، ص ۱۹۵، به نقل از کافی. ۳۶) از جمله نک: کافی، ج ۱، صص ۵۷ - ۵۸، و بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۶ - ۹ و ۲۱۲ - ۲۱۷. و نیز نگاه کن: ضمیمه کتاب با عنوان «تاریخ ولادت حضرت فاطمه (س)». ۳۷) من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷. «و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷. ۳۸) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷. ۳۹) حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۴۳. ۴۰) ذخائر العقبی، ص ۵۳. ۴۱) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳. ۴۲) همان، و نیز نک: کافی، ج ۱، صص ۴۵۸ - ۴۵۹. ۴۳) در روایت مرحوم کلینی به جای کلمه «بقیع» «بقعه» آمده است که به معنای آرامگاه و مرقد خواهد بود. ۴۴) کافی، ج ۱، ص ۴۵۸ - ۴۵۹. ۴۵) کافی، ج ۱، ص ۴۵۹، و نیز بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۶. ۴۶) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۹. ۴۷) همان، ص ۲۲۰. ۴۸) همان، ص ۵۳.

زنان، جایگاه و حقوق

بخش دوم این مجموعه، به احادیثی در باره جایگاه زن و خاستگاه اجتماعی او اختصاص یافته است و نخست روایاتی در زمینه ارزش فرزند دختر و مبارزه اسلام با افکار جاهلی در این خصوص، بازگو می‌شود. ذکر این روایات، از دو نظر برای ما قابل توجه است، یکی تاکید بر بطلان این تفکر جاهلی که هنوز رسوبات آن در گوشه و کنار مشاهده می‌شود؛ یعنی تفاوت گذاشتن میان فرزند دختر و پسر، و دیگر اینکه نشان‌دهنده تلاش جدی و پیگیر اسلام و اولیای عظیم‌الشان آن در دفاع از ارزشهای انسانی زن، و طرد فرهنگ منحط دوران جاهلی است. اسلام کوشش کرده است این واقعیت در جامعه تثبیت شود که داشتن فرزند دختر یک ارزش است و نه ضد ارزش، و زن و مرد از نظر حقیقت انسانی دارای یک منزلت هستند و تفاوتی میان آن دو نیست.

بهترین فرزندان

۱. پیامبر اکرم (ص): خیر اولادکم البنات (۱۶). دختران، بهترین فرزندان شما هستند.

خوش قدمی زن

۲. پیامبر اکرم (ص): من المرأة ان یكون بکرها جاریة (۲۶). از میمنت و خوش قدمی زن، این است که اولین فرزندش دختر باشد. دختر، چه خوب فرزندی است! ۳. پیامبر اکرم (ص): نعم الولد، البنات، لمطلفات مجهزات، مؤنسات، مبارکات، مفلیات (۳۶). دختران چه فرزندان خوبی هستند! چرا که گرم و با لطافتند، آماده به خدمتند، انس گیر و با الفتند، با برکتند، و پاکیزه‌اند.

نعمت یا حسنه

۴. امام صادق (ع): البنات حسنات و البنون نعمه و انما یثاب علی الحسنات ویسال عن النعمه (۴۶). دختران، حسنه و نیکی‌اند، و پسران، نعمتند. و همانا بر حسنات ثواب و پاداش داده می‌شود ولی از نعمت سؤال و بازخواست می‌گردد. یکی از جنبه‌های حسنه بودن دختران، خود وجود آنان و بها دادن به آنهاست، چرا که مبارزه‌ای عملی با فرهنگ جاهلی است. از جانب دیگر حسنه شمردن آنها این توهم غلط را نفی می‌کند که آنان سربار زندگی‌اند، باین گمان که این فرزندان پسر هستند که می‌توانند باری را از دوش پدر و مادر بردارند. در روایت بعدی، بهشت، پاداش کسانی معرفی شده است که دارای فرزند دخترند. واضح است که صرف داشتن فرزند دختر نمی‌تواند چنین پاداشی را به دنبال داشته باشد بلکه در یک فضای اسلامی و در یک زندگی سالم با شرایط مورد توجه اسلام، چنین ارزشهایی نیز معنا پیدامی‌کند و داشتن فرزند دختر و حضور او یک ارزش به شمار خواهد رفت.

در مسیر بهشت

۵. پیامبر اکرم (ص): من عال ثلاث بنات او ثلاث اخوات وجبت له الجنة. قیل: یا رسول الله! واثنتین؟ قال: واثنتین. قیل: یا رسول الله! وواحدة؟ قال: وواحدة (۵۶). کسی که سه دختر یا سه خواهر را سرپرستی کند، بهشت بر او واجب گردد. گفته شد: ای رسول خدا! دو تا نیز؟ فرمود: دو تا نیز. گفته شد: ای رسول خدا! یکی نیز؟ فرمود: یکی نیز. مبارزه با یک پدیده فرهنگی غلط در جامعه که سالها ریشه دوانده و زدودن آثار آن، طبیعی است که نیازمند سالها تلاش و کار مستمر فرهنگی و علمی است. و چندان جای شگفتی نیست که هنوز در میان جامعه اسلامی و اصحاب پیامبر اکرم (ص) و حتی یاران امامان (ع) کسانی باشند که رگه‌هایی از فرهنگ غلط دوران جاهلیت در باره زن و دختر در باورهایشان جای داشته باشد و آثار آن در گوشه و کنار، میان گفتار و کردارشان ظاهر گردد. روایات بعدی نشان‌دهنده این واقعیت است.

گل خوشبو

۶. این مژده به پیامبر اکرم (ص) داده شد که دارای دختری شده است . حضرت (ص) به چهره اصحابش نگاه کرد و آثار کراهت و ناخشنودی را در آنها مشاهده نمود ، فرمود : ما لکم ! ریحانه اشما و رزقها علی الله عز و جل . و کان (ص) ابابنات (۶) . شما را چه می شود ! گیاه خوشبویی است که آن را می بویم و روزی اوهم ، بر عهده خداوند عز و جل است . و حضرت (ص) پدر چندین دختر بود . ۷ . جارود بن منذر : قال لی ابو عبدالله (ع) : بلغنی انه ولد لک ابنه فتسخطها و ماعلیک منها ؟ ریحانه تسمها و قد کیفیت رزقها ، و کان رسول الله (ص) ابا بنات . (۷) . حضرت صادق (ع) به من فرمود : به من خبر رسیده که دارای دختری شده‌ای ، اما برای آن ناراحت و خشمناکی چه ضرری به تو دارد ؟ گیاه خوشبویی است که آن را می بویی و روزی اش هم که به عهده تونیست ، رسول خدا (ص) پدر چندین دختر بود . از همین روایات می توان به درجه بی مهری و تحقیر زن و دختر در دوران ظهور اسلام از همین روایات پی برد چرا که بعد از حدود یک قرن از پیدایش اسلام و مبارزه علیه ظلمی که در حق زنان می رفت ، هنوز نیز آثار آن حتی در میان برخی مؤمنانی که با معارف اهل بیت (ع) نیز آشنایی داشتند مشاهده می شد . طبیعی است که در چنین بینشی ، آن مادری نیز که چنین فرزند مغضوبی را به دنیا آورد مورد سرزنش و تحقیر باشد . روایت بعدی گویای همین امر است .

به من خیانت کرده !

۸ . یکی از اصحاب امام صادق (ع) : تزوجت بالمدينة فقال لی ابو عبدالله (ع) : کیف رايت ؟ فقلت : ما رای رجل من خیر فی امرأة الا- و قد رايتہ فیها ، ولكن خانتنی . فقال : و ما هو ؟ قلت : ولدت جاریة ! فقال : لعلک کرهتها ، ان الله عز و جل یقول : «أباؤکم و ابناؤکم لا تدرون ایهم اقرب لکم نفعا (۸) (؛) ۹» . در مدینه ازدواج کردم . پس از آن ، امام صادق (ع) از من در باره همسر پرسید : او را چگونه دیدی ؟ عرض کردم : هیچ مردی ، خیری را در زنی ندیدم مگر اینکه من آن را در همسرم دیدم ، اما به من خیانت کرد ! حضرت (ع) فرمود : چه خیانتی ؟ عرض کردم : دختری زایید ! حضرت (ع) فرمود : شاید تو این دختر را خوش نداری [ولی بدان که] خداوند عز و جل می فرماید : «پدرانتان و فرزندانتان ، شماها نمی دانید کدام یک از آنان برای شما سودمندترند» . این گونه برخوردها ناشی از ضعف ایمان و غفلت از ارزشهای انسانی و اسلامی است ، و همان گونه که در وایت بعدی آمده این خدای متعال است که به هر کس بخواهد پسر می دهد و به هر کس بخواهد دختری بخشد ، چنان که می فرماید : «یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور» . (۱۰) .

انتخاب خداوند تعالی

۹ . حسین بن سعید : ولد لرجل من اصحابنا جاریة فدخل علی ابی عبدالله (ع) فرآه متسخطا ، فقال له : ارایت لو ان الله اوحی الیک ان اختار لک او تختار لنفسک ، ما کنت تقول ؟ قال : کنت اقول : یا رب ! تختار لی . قال : فان الله عز و جل قد اختار لک ... (۱۱) . مردی از اصحاب ما دارای فرزند دختری شد . پس از آن به خدمت امام صادق (ع) رسید ، حضرت (ع) او را خشمناک دید ، به او فرمود : بگو ببینم ، اگر خداوند به تو وحی می کرد که من برای تو انتخاب کنم یا تو برای خودت انتخاب می کنی ، چه می گفتی ؟ عرض کرد : می گفتم : ای پروردگار ! تو برایم انتخاب کن . حضرت (ع) فرمود : خوب ، خدای عز و جل برای تو [دختر] را [برگزیده است]

ارزش‌گذاری قرآن

۱۰. هنگامی که اسماء بنت عمیس ، به همراه شوهرش ، جعفر ابن ابی طالب از حبشه برگشت ، وارد بر زنان پیامبر اکرم (ص) شد و گفت : هل فینا شیء من القرآن ؟ قلن : لا . فات رسول الله فقالت : یا رسول الله ! ان النساء لفی خبیة و خسار ! فقال : و مم ذلک ؟ قالت : لانهن لا- یدکرن بخیر کما یدکر الرجال . فانزل الله «ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فوجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیما (۱۲) (۱۳) . آیا چیزی از آیات قرآن در باره ما نازل شده ؟ گفتند : نه . لذا اسماء به محضر رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد : ای رسول خدا ! زنان در ناکامی و خسارتند ! پیامبر (ص) فرمود : به چه خاطر ؟ عرض کرد : زیرا آن گونه که مردان به خوبی و خیر یاد می‌شوند ، از آنان یاد نمی‌شود . پس از آن بود که خداوند این آیه را نازل فرمود : «همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان ، و مردان مؤمن و زنان مؤمن ، و مردان اطاعت‌پیشه خاضع و زنان اطاعت‌پیشه خاضع ، و مردان راستگو و زنان راستگو ، و مردان بردبار و زنان بردبار ، و مردان باخشوع و زنان باخشوع ، و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده ، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار ، و مردان خودنگه‌دار ، و زنان خودنگه‌دار ، و مردانی که فراوان به یاد خداوند و زنان این گونه ، خداوند برای آنان مغفرت و پاداشی بزرگ را آماده کرده است .» . ملاحظه می‌شود که زن و مرد در پیشگاه خداوند تعالی در اوصاف ستوده و ارزشهای انسانی یکسانند و ملاک برتری ، عبارت از فضایل و اعمال شایسته‌ای است که هر کدام دارا هستند و بر همین اساس است که روایت بعدی ، ارزش یک زن ، بیشتر از هزار مرد به شمار رفته است .

بهتر از هزار مرد ناصالح

۱۱. امام صادق (ع) : الامراة الصالحة خیر من الف رجل غیر صالح (۱۴) . زن صالح ، به از هزار مرد ناصالح است .

نشانه ایمان

۱۲. پیامبر اکرم (ص) : کلما ازداد العبد ایمانا ازداد حبا للنساء (۱۵) . بنده هر چه ایمانش را فزونی دهد ، محبتش بر بانوان بیشتر خواهد شد .

محبوب انبیا (ع)

۱۳. امام صادق (ع) : من اخلاق الانبیاء حب النساء (۱۶) . محبت به زنان از اخلاق انبیا است .

بیشترین خیر

۱۴. امام صادق (ع) : اکثر الخیر فی النساء (۱۷) . بیشترین خیر و خوبی در زنان است . در تاکید بر این سخن شریف ، مناسب می‌نماید پاسخ امام صادق (ع) به پرسش فضیل را بازگو کنیم . او می‌گوید : به امام (ع) عرض کردم : مردم سخنی می‌گویند و آن اینکه بیشتر اهل آتش در روز قیامت ، زنان هستند ! امام (ع) در رد این حرف به پاسخی نقضی استناد جستند و فرمودند : این چه سخن بیجایی است ؟ ! در حالی که یک مرد در آخرت ، گاه با هزار نفر از زنان دنیا در کاخی از در یک پارچه ازدواج می‌کند ! قلت له : شیء یقوله الناس : ان اکثر اهل النار یوم القیامة النساء . قال : و انی ذلک ؟ ! و قد یتزوج الرجل فی الآخرة الفا من نساء

الدنيا في قصر من درة واحدة . (۱۸) .

مصونیت اجتماعی

۱۵ . امام صادق (ع) : قال رسول الله (ص) : لا حرمة لנساء اهل الذمة ان ينظر الي شعورهن و ایدیهن (۱۹) . به نقل از رسول خدا (ص) : نگاه کردن به موها و دستان زنان اهل ذمه مانعی ندارد . مساله حرمت نگاه به زنان نامحرم تنها ناشی از این نیست که شخص ناظر دچار مفسده و انحراف می شود بلکه یک دلیل مهم آن احترامی است که زن مسلمان دارد و باید از دیده بیگانه مصونیت داشته باشد حتی اگر نگاه عادی باشد . از این رو زنان غیرمسلمان که حتی به عنوان اهل ذمه در جامعه اسلامی زندگی می کنند چنین حرمتی را دارا نیستند و نگاه به مواضع عادی بدن آنان حرمتی ندارد . البته این احتمال نیز هست که چون زنان غیر مسلمان معمولاً احساس وظیفه‌ای در پوشاندن سر و دست نمی کنند ، نگاه معمولی به آنان منعی ندارد . ولی به هر حال مصونیتی که زن مسلمان از این جهت دارد حاکی از احترام و حرمتی است که اسلام برای او قایل شده است ، تا جایی که حتی چشم دوختن به او ، از پشت سر نیز مورد نکوهش قرار می گیرد . به روایت بعدی توجه کنید .

حرمت بدار!

۱۶ . ابوبصیر به امام صادق (ع) : الرجل تمر به المرأة فينظر الي خلفها . قال : ايسر احدكم ان ينظر الي اهله و ذات قرابته ؟ قلت : لا . قال : فارض للناس ما ترضاه لنفسك (۲۰) . زن از کنار مرد عبور می کند و مرد به پشت سر او نگاه می دوزد ، (چگونه است ؟) امام (ع) فرمود : آیا کسی از شما را خوش می آید که به پشت سر خانواده و نزدیکانش نگاه دوخته شود ؟ عرض کردم : نه . فرمود : پس آنچه را برای خودت می پسندی برای مردم بپسند .

سفارش شدگان

۱۷ . پیامبر اکرم (ص) : اوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشة مبینة (۲۱) . جبرئیل ، آن قدر در باره زن ، به من سفارش کرد که گمان کردم طلاق زن سزاوار نیست مگر در جایی که آشکارا مرتکب فحشا گردد . ۱۸ . پیامبر اکرم (ص) : استوصوا بالنساء خیرا فانهن عندکم عوان (۲۲) . سفارش مرا در باره نیکی کردن به زنان بپذیرید چرا که آنان نزد شما سیرند . روایات متعددی در زمینه احسان و احترام به زنان وجود دارد که از گنجایش این مجموعه بیرون است . (۲۳) توجه به نیازهای مادی و معنوی بانوان و عفو و گذشت و سعه صدر در باره آنان ، مسایلی است که در روایات بعدی نیز شاهد تاکید بر آنها خواهیم بود .

وقت ویژه

۱۹ . ابو سعید خدری : جاءت امرأة الى رسول الله (ص) فقالت : يا رسول الله ! ذهب الرجال بحديثك فاجعل لنا من نفسك يوما نأتك فيه تعلمنا مما علمك الله . قال : اجتمعن يوم كذا في موضع كذا و كذا . فاجتمعن فاتاهن النبي (ص) فعلمهن مما علمه الله (۲۴) . زنی به حضور رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد : ای رسول خدا ! مردان همه سخن شما را نصیب خود کرده و بردند ، پس برای ما نیز از جانب خود ، روزی را قرار ده که در آن روز به حضور شما برسیم تا از آنچه خداوند به شما آموخته است به ما تعلیم دهی . حضرت (ص) فرمود : فلان روز ، در فلان جا اجتماع کنید . آنان نیز در آنجا در وقت مقرر گرد آمدند و پیامبر اکرم (ص) نزد آنان رفت و از آنچه خداوند به او تعلیم داده بود به آنان آموخت .

در میدان جنگ

۲۰. امام باقر (ع) و امام صادق (ع): ان رسول الله (ص) خرج بالنساء فی الحرب حتی یداوین الجرحی ، و لم یقسم لهن من الفیء و لکنه نفلهن (۲۵؛). رسول خدا (ص) زنان را در جنگ به همراه برد تا زخمیان را مداوا کنند ، و از غنایم جنگ ، سهمیه‌ای برای آنان قرار نداد ولی به عنوان بخشش و هبه ، سهمی به آنان داد . استفاده از سهمیه غنایم به صورت مقرر ، منوط به حضور مستقیم در صحنه نبرد است و این وظیفه مردان است ، اما این مانع از آن نبود که پیامبر اکرم (ص) از زحمات زنان در کمک به سربازان اسلام ، قدردانی عملی کند . عنایت ویژه‌ای که اولیای عظیم‌الشان اسلام بویژه پیامبر اکرم (ص) ، به ارج‌گذاری مقام زن دارند شامل جنبه‌های گوناگونی می‌شود که در این روایات به گوشه‌هایی از آنها اشاره می‌شود . روایت بعدی نیز مؤید همین امر است .

مادر پاکدامن

۲۱. امام صادق (ع): طوبی لمن کانت امه عفیفة (۲۶؛). خوشبخت کسی است که مادرش پاکدامن باشد .

جلوه‌گاه صبر

۲۲. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش : ان الله تبارک و تعالی جعل للمرأة صبر عشرة رجال ، فاذا حملت زادا قوة عشرة رجال اخری (۲۷؛). خدای تبارک و تعالی برای زن ، صبر و تحمل ده مرد را قرار داده‌است و آنگاه که زن ، باردار می‌شود خداوند نیروی ده مرد دیگر را به آن می‌افزاید .

پاداش مرزداری و شهادت

۲۳. امیرالمؤمنین (ع): ذکر رسول الله (ص) الجهاد ، فقالت امراه لرسول الله (ص): یارسول الله! فما للنساء من هذا شیء؟ فقال: بلی ، للمرأة ما بین حملها الی وضعها الی فطامها من الاجر کالمربط فی سبیل الله ، فان هلکت فیما بین ذلک کان لها مثل منزلة الشهید (۲۸؛). رسول خدا (ص) در باره جهاد سخن گفت . زنی به رسول خدا (ص) عرض کرد: ای رسول خدا! پس برای زنان از این جهاد بهره‌ای نیست؟ فرمود: بلی ؛ برای زن در فاصله بارداری تا وضع حمل و بعد از شیر گرفتن طفل ، پاداشی همانند پاداش مجاهدی است که در مرز ، در راه خدا به مرزبانی مشغول است ، و اگر در این فاصله جان بدهد برای او پاداشی همانند مقام منزلت شهید خواهد بود . نکته قابل توجه آنکه ، پیامبر (ص) پرورش طفل در دوران بارداری و بعد از آن را همانند مرزبانی از حدود و ثغور اسلامی شمرده است و جان دادن در آن میان را چون شهادت در راه خدا ؛ چرا که او نیز وظیفه پرورش فرزندان اسلام و حفظ قدرت جامعه اسلامی در سایه وجود فرزندان صالح را به عهده دارد و زن در این راه ، ممکن است تا سر حد جان دادن نیز به پیش رود .

شیرمادر

۲۴. پیامبر اکرم (ص): لیس للصبی لبن خیر من لبن امه (۲۹؛). برای فرزند ، شیری بهتر از شیر مادرش نیست . گرچه مفاد این سخن شریف ، بیشتر ناظر به مصلحت فرزند است که مناسب‌ترین شیر برای او شیرمادر است ، ولی می‌تواند حاکی از احترام و تجلیلی باشد که اسلام برای مادر قایل است که فرزندش را خود شیر بدهد ، و پدر نیز توجه داشته باشد که شیر مادر از هر غذای دیگر ،

حتی از شیرمادران دیگر، مفیدتر است، و این خود یک نوع احساس نیاز به همسر رادر شوهر ایجاد خواهد نمود. روایت بعدی، فلسفه یکی از تفاوت‌های حقوقی میان زن و مرد را بیان می‌کند.

مرد در خدمت همسر

۲۵. حضرت رضا (ع) در بخشی از پاسخهای خویش به پرسشهای محمد بن سنان در زمینه علل و فلسفه احکام نوشت: و علة اعطاء النساء نصف ما يعطى الرجل من الميراث، لان المرأة اذا تزوجت اخذت و الرجل يعطى فلذلك وفر على الرجال، و علة اخرى فى اعطاء الذكر مثلى ما يعطى الانثى، لان الانثى فى عيال الذكر ان احتاجت و عليه ان يعولها و عليه نفقتها و ليس على المرأة ان تعول الرجل و لا تؤخذ بنفقتها اذا احتاج، فوفر الله على الرجال لذلك و ذلك قول الله عز و جل: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم» (۳۰) (۱۰۰/۳۱). علت پرداخت نصف مقدار میراث مردان به زنان، این است که زن هنگام ازدواج می‌گیرد و مرد می‌پردازد و لذا میراث برای مردان زیادتر شده است، علت دیگر پرداخت دو برابر سهم زن به مرد، این است که زن اگر نیاز داشته باشد تحت سرپرستی مرد است و سرپرستی و هزینه او بر عهده مرد است؛ در حالی که بر زن چنین وظیفه‌ای نیست که مرد را اداره کند و از او در صورتی که مرد نیازنیز داشته باشد خرجی گرفته نمی‌شود. پس بدین خاطر است که خداوند برای مرد سهم بیشتری قرار داده است، و این همان سخن خداوند عزوجل است که: «مردان سرپرست و عهده‌دار زنانند، به خاطر آنچه که خداوند بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده است و نیز به علت هزینه‌هایی که مردان از اموال خویش می‌پردازند.» روایات دیگری نیز در این باره وجود دارد. (۳۲).

پاسداری ارزشها، صیانت جمال

۲۶. امیرالمؤمنین (ع): صيانة المرأة انعم لجالها و ادوم لجمالها (۳۳). صیانت و نگهداری زن، به حالش مفیدتر و جمالش را پر دوام تر است.

زکات زیبایی

۲۷. امیرالمؤمنین (ع): زكاة الجمال، العفاف (۳۴). زکات زیبایی و جمال، پاکدامنی است.

رسم آزادگان

۲۸. امیرالمؤمنین (ع): ان الحياء و العفة من خلائق الايمان و انهما لسجية الاحرار و شيمة الابرار (۳۵). همانا حیا و عفت، از آداب و صفات ایمان است، و آن دو از خلق و خوی آزادگان و رسم نیکان است. حیا و پاکدامنی، نشانه آزادگی و جوانمردی و لازمه ایمان است و مردان و زنان، همه نیازمند آنند ولی خداوند متعال به بانوان به خاطر ساختار وجودی و جایگاهی که در جامعه دارند حیا و آزرم بیشتری عنایت فرموده است و از این جهت، مسؤلیت بیشتری را بر دوش می‌کشند. حیا و عفت برای همه امری نیک و لازم است اما برای آنان لازمتر است. حیا نشانه آزادگی است و مردان و زنان آزاده آنانند که پاکدامن و باحیا باشند، و اگر حریت به معنای واقعی کلمه وجود داشته باشد صفات نیکوی دیگر نیز وجود خواهد داشت. زنان و مردان مسلمان و متعهد، آزادی را در صفاتی می‌جویند که در روایت بعدی بر آنها تاکید شده است.

حیا و آزادی

۲۹. امام صادق (ع): خمس خصال من لم تكن فيه خصله منها فليس فيه كثير مستمتع، اولها: الوفاء، والثانية: التدبير، والثالثة: الحياء، والرابعة: حسن الخلق، والخامسة - وهي تجمع هذه الخصال: - الحرية (۳۶). پنج خصلت است که اگر کسی یکی از آنها را نیز نداشته باشد، در او بهره‌مندی چندانی نیست. اول از آنها وفاداری است. دوم، تدبیر سوم، حیا، چهارم، حسن خلق، و پنجم که جامع این خصلتهاست، آزادگی است.

خصلتهای نیک

۳۰. امیرالمؤمنین (ع): خيار خصال النساء شرار خصال الرجال: الزهو والجبن والبخل. فاذا كانت المرأة مزهوه لم تمكن من نفسها، و اذا كانت بخيلة حفظت مالها و مال بعلها، و اذا كانت جبانة فرقت من كل شيء يعرض لها (۳۷). بهترین خصلت مردان است و آنها عبارتند از: کبر و ترس و بخل، زیرا زمانی که زن (در برابر بیگانه) متکبر و گردن‌فراز باشد خویش را رام نخواهد کرد، و آنگاه که بخیل باشد مال خود و شوهرش را حفظ خواهد نمود، و هنگامی که کم‌جرات بود [خطر نخواهد کرد و] از هر چیزی که برای او پیش آید نگران خواهد شد و پرهیز خواهد نمود. از این روایت شریف، این اصل را باید استفاده کنیم که نباید به زن و مرد از نظر ساختار وجودی در پذیرش مسؤولیتها و وظایف در تمام ابعاد به یک دید نگاه شود بلکه چه بسا صفتی برای مرد به عنوان یک نقطه ضعف و عیب محسوب شود ولی برای زن نقطه‌ای مثبت و امری با ارزش به‌شمار رود، همین خصلت ترس برای مردان به خاطر وظیفه‌ای که در حفظ حقوق خود و خانواده و اجتماع دارند امری ناپسند است اما زنان به خاطر محدودیتهای بیشتری که در دفاع از خود دارند و از طرف دیگر، بیشتر مورد طمع و هجوم افکار ناپاکان قرار می‌گیرند نیاز به احساس نگرانی و خطر‌گریزی و خوف مواجه شدن با زمینه‌های هجوم و دستبرد به خویش را دارند تا احتیاط بیشتری نموده و از افتادن در دامهایی که امکان‌گریز برای آنان نیست مصون باشند، و این امر منافاتی با ادای مسؤولیتهای اجتماعی ندارد. در زمینه بخل و تکبر نیز به همین بیان؛ البته تشخیص موارد مطلوبیت این صفات از موارد دیگر، کار مشکلی نیست.

بیرون از خانه

۳۱. امام صادق (ع): لا- ینبغی للمرأة ان تجمر ثوبها اذا خرجت [من بیتها] (۳۸). هنگامی که زن از خانه‌اش خارج می‌شود سزاوار نیست که لباسش را خوشبو کند. از زن و مرد مسلمان، رعایت مسایل بسیاری به عنوان امور احتیاطی خواسته شده است، چرا که عدم توجه به آنها احتمال گرفتار آمدن به گناه یا ارتکاب گناه بالا-تر را افزایش می‌دهد. این تذکرها، در حقیقت زنگ‌خطرهایی است که هشیاری مرد و زن مسلمان را می‌طلبد و بی‌توجهی به آنها و در واقع نزدیک شدن به دانه‌های اطراف دام، خطر افتادن در آن را به دنبال دارد. روایات بعدی نیز در همین موضوع قرار می‌گیرد.

بوی خوش برای بیگانه!

۳۲. پیامبر اکرم (ص): ایما امرأة تطیبت لغير زوجها لم تقبل منها صلاة حتى تغتسل من طيبها كغسلها من جنابتها (۳۹). «هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند هیچ نمازی از او پذیرفته نمی‌شود تا همان گونه که به خاطر جنابت غسل می‌کند، برای این بوی خوش نیز غسل کند. (۴۰).

پوشش مناسب

۳۳. امیرالمؤمنین علی (ع): كنت قاعدا في البقيع مع رسول الله (ص) في يوم دجن و مطر اذمرت امرأة علي حمار، فهوت يد

الحمار فی وهدة فسقطت المرأة فاعرض النبي (ص) بوجهه . قالوا : يا رسول الله ! انها متسرولة . قال : اللهم اغفر للمتسرولات - ثلاثا . يا ايها الناس ! اتخذوا السراويلات فانها من استر ثيابكم و حصنوا بها نساءكم اذا خرجن (۴۱؛) . در روزی تار و بارانی به همراه رسول خدا (ص) در بقیع نشسته بودم که زنی سوار بر درازگوشی عبور کرد . ست حیوان ، داخل گودالی افتاد و زن به زمین خورد . لذا پیامبر (ص) چهره‌اش را برگرداند . عرض کردند : ای رسول خدا ! آن زن شلوار پوشیده است . پیامبر اکرم (ص) سه بار گفت : «خدايا ! زناني که از شلوار استفاده می کنند را مورد مغفرت قرار ده . [سپس فرمود :] ای مردم ! از شلوار استفاده کنید چرا که از پوشاننده ترین لباسهای شما است ، و با آن ، زنانان را هنگامی که از خانه خارج می شوند مصونیت بخشید» . روشن است که ملاک ، استفاده از لباسهایی است که تناسب بیشتری باحجاب و صیانت بانوان دارد ، تحریک آمیز نیست و با عرف زنان باحجاب همخوانی بیشتری دارد . بنابراین ، شامل هر نوع شلوار نمی شود . در همین خصوص ، حدیث بعدی نیز می تواند نشان دهنده ترغیب اسلام به حفظ حدود و شؤون زن و مرد ، و رعایت دوران‌دیشی و احتیاط باشد ، البته اینها همه اقداماتی احتیاطی است که زمینه انحرافات احتمالی را از میان می برد .

لباسهای تحریک آمیز

۳۴ . «سعيدة» و «منة» خواهران محمد بن ابی عمیر : دخلنا علی ابی عبدالله (ع) فقلنا : تعود المرأة اهاها ؟ قال : نعم . قلنا : تصافحه ؟ قال : من وراء الثوب . قالت احدهما : ان اختی هذه تعود اخوتها . قال : اذا عدت اخوتك فلا تلبسی المصبغة (۴۲؛) . بر امام صادق (ع) وارد شدیم و عرض کردیم : آیا زن به دیدار برادرانش می رود ؟ فرمود : بلی . عرض کردیم : آیا به او دست می دهد ؟ فرمود : از پشت لباس . یکی از آن دو گفت : این خواهر من به دیدار برادرانش می رود . فرمود : آنگاه که به دیدن برادرانت رفتی ، لباس رنگارنگ [و تحریک آمیز] نپوش .

در کوچه و خیابان

۳۵ . امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) : لیس للنساء من سروات الطريق شیء ، و لكنها تمشی فی جانب الحائط و الطريق (۴۳؛) . زنان از میان مسیر عبور نکنند ، بلکه در کنار دیوار و راه حرکت کنند .

بر جای او نشین !

۳۶ . پیامبر اکرم (ص) : اذا جلست المرأة مجلسا فقامت عنه فلا یجلس فی مجلسها احد حتی یرد (۴۴؛) . هنگامی که زن در جایی نشست ، بعد از آنکه از آنجا برخاست کسی در جای او نشیند تا اینکه گرمی آن از بین برود .

حفظ حریم

۳۷ . پیامبر اکرم (ص) : من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا یبیت فی موضع یسمع نفسه امرأة لیست له بمحرمة (۴۵؛) . کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد ، در جای خلوتی که زنی نامحرم ، صدای نفس او را می شنود ، نماند .

به شش سالگی که رسید

۳۸ . امام صادق (ع) : اذا بلغت الجارية ست سنین فلا ینبغی لک ان تقبلها (۴۶؛) . وقتی که دختر به سن شش سالگی رسید سزاوار نیست که او را بوسی . روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و از آنها استفاده می شود که نامحرم نباید دختری که به

سن شش سالگی رسیده است را بیوسد. چنان که بر دوش گرفتن و در دامن نشاندن آنان نیز، برای افراد بیگانه نکوهش شده است.

نگاه به بیگانه

۳۹. پیامبر اکرم (ص): اشتد غضب الله علی امرأة ذات بعل ملات عینها من غیر زوجها او غیر ذی محرم منها، فانها ان فعلت ذلک احبط الله عز و جل کل عمل عملته. فان او طات فراشه غیره کان حقاعلی الله ان یحرقها بالنار بعد ان یعذبها فی قبره (۴۷). خشم خداوند بر آن زن شوهرداری که دیده‌اش را به غیر همسرش یا نامحرمی بدوزد شدید است، چرا که اگر چنین کند خداوند همه اعمالی را که انجام داده است بی نتیجه خواهد گذاشت، و اگر بیگانه‌ای را به بستر شوهرش راه دهد، بر خداوند است که او را علاوه بر عذاب کردن در قبر، با آتش بسوزاند.

ای غیر تمندان!

۴۰. امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع): یا اهل العراق! نبئت ان نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق، اما تستحون؟ ای اهل عراق باخبر شدم که زنان شما در راه با مردان برخورد می‌کنند، آیا شرم نمی‌کنید؟ مرحوم کلینی می‌گوید: در حدیث دیگری آمده است که حضرت فرمود: اما تستحیون و لا تغارون؟! نساءکم یخرجن الی الاسواق و یزاحمن العلوج (۴۸). آیا حیا نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید؟! زنانتان به بازارها و فروشگاهها می‌روند و با افراد بی ایمان و لایابالی برخورد می‌کنند؟

پی‌نوشتها

۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶. ۲) همان، ص ۱۱۱. ۳) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۰. ۴) همان، ص ۱۰۴. ۵) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲، و وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۵. ۶) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱. ۷) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۲. ۸) سوره نساء (۴)، آیه ۱۱. ۹) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۱. ۱۰) سوره شوری (۴۲)، آیه ۴۹، «به هر کس بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هر کس بخواهد فرزندان پسر می‌بخشد». ۱۱) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۲. ۱۲) سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۵. ۱۳) مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۸. ۱۴) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳. ۱۵) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸. ۱۶) کافی، ج ۵، ص ۳۲۰. ۱۷) وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱. ۱۸) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸. ۱۹) همان، ص ۱۴۹. ۲۰) همان، ص ۱۴۵. و نیز به همین مضمون: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۳. ۲۱) همان، ص ۱۲۱. ۲۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۱ و نیز ص ۲۵۳. ۲۳) از جمله: وسایل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۲۱ - ۱۲۲. ۲۴) میزان الحکمه، ج ۹، ص ۹۷. ۲۵) بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۴. ۲۶) همان، ج ۵، ص ۲۸۵. ۲۷) همان، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱. ۲۸) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱. ۲۹) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳. ۳۰) سوره نساء (۴)، آیه ۳۴. ۳۱) علل الشرایع، ص ۵۷۰. ۳۲) نک: علل الشرایع، ص ۵۷۰ - ۵۷۱. ۳۳) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۵. ۳۴) همان، ص ۳۵. ۳۵) غرر الحکم و درر الکلم ترجمه و شرح خوانساری، ج ۲، ص ۵۸۴. ۳۶) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵. ۳۷) نهج البلاغه، ص ۵۰۹، حکمت ۲۳۴. ۳۸) کافی، ج ۵، ص ۵۱۹. ۳۹) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰. ۴۰) تشبیه در اینجا می‌تواند ناظر به اصل لزوم این کار باشد. چه اینکه می‌تواند مربوط به تشابه درشتن تمام بدن باشد. نک: مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۱۹. ۴۱) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۷۸. ۴۲) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۲. ۴۳) همان، ص ۱۳۲. ۴۴) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۷. ۴۵) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۹۱. ۴۶) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

(۴۷) همان ، ص ۱۷۲ . ۴۸) همان ، ص ۱۷۶ .

خانواده و مسؤولیتها

پیوند پاکیزگی

ترك ازدواج ! ۱. پیامبر اکرم (ص) : من سره ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیلقه بزوجه و من ترك التزویج مخافه العیلة فقد اساء الظن بالله عز و جل (۱۶). هر کس شادمان می شود به اینکه خداوند را در حال پاکی و پاکیزگی . [معنوی] ملاقات کند ، پس خدای را به همراه زوجه‌ای ملاقات کند ، و کسی که ازدواج را به خاطر ترس از خرجی زندگی رها کند ، در حقیقت به خدای عز و جل بدگمان شده است . برخورداری از نعمت همسر ، می تواند محیط مساعدی را در زندگی انسان ، در جهت کسب طهارت معنوی و دوری از انحرافات ایجاد کند . انسانی که برای تامین سعادت ابدی و حیات جاوید تلاش می کند باید بداند که همسری مناسب ، همسفر خوبی برای او خواهد بود . توجه به ملاکهای اصلی و ارزشی در گزینش همسر ، می تواند انسان را در دستیابی به همسری مناسب یاری کند ، و این نکته‌ای است که در روایت بعدی به آن توجه شده است .

کدام یک ؟ دین یا مال و زیبایی

۲. امام صادق (ع) : اذا تزوج الرجل المراه لمالها او جمالها لم یرزق ذلک ، فان تزوجهالدينها رزقه الله عز و جل جمالها و مالها (۶). هنگامی که مرد ، زن را به خاطر ثروت یا زیبایی اش به ازدواج درآورد به هدفش نخواهد رسید ، ولی اگر با او به انگیزه دین و ایمانش ازدواج کرد ، خدای عز و جل ، هم زیبایی و هم ثروت او را روزی اش ، خواهد نمود . انسانی که با انگیزه صحیح ، این سنت اسلامی را انجام می دهد ، از یک طرف زمینه مناسبی را در جهت رشد معنوی خویش فراهم کرده است ، و از جانب دیگر ، درهای رزق و فضل الهی را به روی خود گشوده است . و این علاوه بر آنکه مفاد روایات متعددی است ، به صراحت مورد تاکید قرآن نیز واقع شده است ؛ آنجا که می فرماید : «و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم» . (۳) . مفاد آیه این است که «زنان و مردان بی همسر و نیز بردگان و کنیزانی که شایستگی ازدواج یافته اند را همسر دهید ، اگر هم تنگدست باشند خداوند از فضل خودش آنان را بی نیاز خواهد ساخت . خداوند ، هم وسعت دارد و هم می داند» . از سوی دیگر ، از ارزشمندترین ساختارهای اجتماعی در اسلام ، بنیان خانواده است که اگر بر اساس صحیح و در چارچوب ارزشهای دینی شکل گرفته باشد همان گونه که در روایت بعدی آمده ، دوست داشتنی ترین بنا در پیشگاه خداوند است .

بنیان محبوب

۳. امام باقر (ع) : قال رسول الله (ص) : ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله تعالی من التزویج (۴). از نظر اسلام ، در پیشگاه خداوند تعالی ، هیچ بنایی ، محبوبتر از ازدواج بنا نشده است . از این رو در احادیث چندی ، از ترک ازدواج و زندگی مجرد ، نکوهش شده است و حتی کسانی که به عمد ، راه تنهایی زیستن را پیشه می کنند نفرین شده اند . (۵) .

امانات الهی

بهترین شما ۴. پیامبر اکرم (ص) : خیرکم ، خیرکم لنسائه و انا خیرکم لنسائی (۶). بهترین شما مردی است که با زنان خود خوشرفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به همسرانم خوشرفتارترم .

سفارش شدگان

۵. پیامبر اکرم (ص): ما زال جبرئیل یوصینی فی امر النساء حتی ظننت انه سیحرم طلاقهن (۷؛). جبرئیل، همواره به من سفارش زنان را می‌نمود تا آنجا که گمان کردم، خداوند بزودی طلاق دادن آنان را حرام خواهد کرد. آنگاه که همسر برای مرد، در حکم امانتی الهی است، طبیعی است که بهترین مردان در این خصوص کسانی خواهند بود که برای این ودیعه‌های الهی بهتر باشند و پیامبر اکرم (ص) با همه مسؤولیتهایی که مقام امامت و رسالت بر دوش او می‌گذاشت و با وجود تعداد همسرانی که به خاطر مصلحت اسلام اختیار کرده بود و اختلافی که آن همسران از نظر اخلاق و سن داشتند، به گونه‌ای با آنها رفتار می‌کرد که در سراسر عمر زناشویی حتی یک بار نیز نتوانستند بر پیامبر اکرم (ص) خرده‌گیری کنند و این خود یکی از امتحانات الهی برای رسول اکرم (ص) بود. در فرهنگ جاهلی، از آنجا که زن به مثابه مال شخصی مرد پنداشته می‌شد و مرد برای خود این حق را قایل بود که با همسر خود هر گونه که خواست رفتار کند و او را هر چند بناحق، مورد اذیت و آزار قرار دهد، در اسلام برای دفاع از حقوق زن عنایت خاصی شده است؛ از جمله به روایت ذیل توجه شود.

یک سیلی، هفتاد سیلی

۶. پیامبر اکرم (ص): ... فای رجل لطم امراته لطمه، امرالله عز و جل مالک، خازن النیران فیلطمه علی حر وجهه سبعین لطمه فی نار جهنم (۸...؛). هر مردی که یک سیلی به صورت همسرش بزند، خدای عز و جل به «مالک» که مامور دوزخ است، دستور می‌دهد در آتش جهنم، هفتاد سیلی به گونه او بزند.

گشایش بر اسیران

۷. امام موسی بن جعفر (ع): عیال الرجل اسراؤه، فمن انعم الله علیه نعمه فلیوسع علی اسرائه، فان لم یفعل اوشک ان تزول تلک النعمه (۹؛). خانواده مرد، اسیران او هستند. لذا هر کس که خداوند بر او نعمتی ارزانی داشت، بر اسرای خودش وسعت و گشایش دهد و الا اگر این کار را نکرد، آن نعمت در شرف نابودی قرار خواهد گرفت. مساله آسان گرفتن زندگی بر همسر و فرزند را در روایات متعددی می‌خوانیم. اینکه در اینجا همسر و فرزندان، همانند اسیران شمرده شده‌اند از این جهت است که آنان راه به جایی ندارند و چشم نیاز و دیده انتظار به دست مرد گشوده‌اند. از سوی دیگر، یک اسیر، تنها نیاز به امور مادی ندارد. برخوردار مناسب و اظهار عطف، بهترین هدیه برای او است. لذا در روایت دیگری، همین امر به صورت کلی آمده است که در پیشگاه خداوند، محبوبترین بندگان، آنانند که رفتارشان با خانواده‌شان که اسیران آنانند بهتر باشد. (۱۰) روایات بعدی نیز در همین زمینه است.

در کنار همسرت بنشین

۸. پیامبر اکرم (ص): جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا (۱۱؛). در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من، محبوبتر است. ارزش اعتکاف و ثواب ماندن در مسجد پیامبر (ص) چیزی است که هر مسلمانی آرزوی دستیابی به آن را دارد. اگر به فضیلتی که اعتکاف در مسجد آن حضرت (ص) دارد توجه شود، آن وقت به ارزش بالای انس و الفت و نشستن مرد در کنار همسر خود، بیشتر پی خواهیم برد. این نیاز طبیعی زن است که همسرش، ساعاتی را در کنار او باشد، با او هم صحبت شود، به سخن او گوش کند، و کارهای روزمره، او را از این مهم باز ندارد

خود مرد نیز چنین نیازی را دارد. و این عنایت و اهتمام بالای اسلام به تحکیم مناسبات زن و شوهر و تقویت روابط عاطفی آنان را می‌رساند که حضور در خانه و نشستن در کنار همسر را در پیشگاه خداوند از اعتکاف در مسجدالنبی (ص) دوست‌داشتنی‌تر به شمار می‌آورد. و این چنین است که در سخن دیگری از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) آمده است «مردی که لقمه در دهان همسر خود می‌گذارد دارای اجر و ثواب است.» (۱۲) و یا گفته حضرت (ص) که دمت به خانواده را تنها کار انسان «صدیق» یا «شهید» یا مردی که خداوند خواسته است خیر دنیا و آخرت را به او برساند می‌شمارد: لا یخدم العیال الا صدیق او شهید او رجل یرید الله به خیر الدنیا والآخرة. (۱۳).

اول برای دخترت

۹. پیامبر اکرم (ص): من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها الی عیاله کان کحامل صدقة الی قوم محایج و لییدا بالاناث قبل الذکور (۱۴). مردی که داخل بازار شود و تحفه‌ای بخرد و آن را برای خانواده‌اش ببرد، ثوابش برابر کسی است که صدقه‌ای را به قومی نیازمند برساند. و (هنگام خرید یا تقسیم) نخست از دختران شروع کند. عنایت خاصی که در اینجا حتی در هدیه دادن به دختران شده حاکی از اوج توجه و احترامی است که اسلام برای آنان قایل است، و از طرف دیگر، نشان‌دهنده زمینه بیشتری است که فرزندان دختر در جلب عطوفت و مهربانی دارند. برای تقویت رشته‌های زندگی مشترک زن و مرد و ایجاد حس اعتماد به نفس در زن و دلگرمی بیشتر به زندگی، توجه خاصی نیز به روابط عاطفی میان آن دو شده است. حدیث بعدی مؤید این معناست.

تو را دوست دارم

۱۰. پیامبر اکرم (ص): قول الرجل للمرأة «انی احبک» لا یذهب من قلبها ابدا (۱۵). این گفته مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هیچ‌گاه از قلب زن بیرون نمی‌رود.

آراستگی و زینت

۱۱. امام باقر (ع): لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادة ولا ینبغی ان تدع یدها من الخضاب و لو ان تمسحها مسحاً بالحناء و ان کان مسنة (۱۶). برای زن (در رسیدگی به وضع ظاهر خود) سزاوار نیست که به خود سر و وضعش نرسد هر چند به اینکه گردنبندی را به خود بیاویزد، و سزاوار نیست که دستش را بی‌رنگ رها کند هر چند به اینکه مختصر حنایی بگذارد؛ گرچه سالخورده باشد. بی‌شک موضوع یاد شده، یک نیاز طبیعی برای زن و مرد است و در این روایات، همان گونه که به مساله هزینه و ایجاد گشایش در زندگی و نیز اظهار محبت علنی توجه شده است بر این نیاز طبیعی نیز که در روابط زن و شوهر نقش خاصی دارد تاکید شده است. همین امر پسندیده در صورتی که خارج از حدود خانه و برای بیگانه انجام شود حرام است و آثار سوء خود را در جامعه و بویژه در محیط خانواده و روابط زن و شوهر خواهد داشت. این امر پسندیده، عیناً برای مردان نیز سفارش شده و علت آن نیز روشن است. البته نکته دیگری که در همین زمینه باید مورد توجه قرار گیرد موضوع لزوم تمایز میان زن و مرد در وضع ظاهری و لباس و امثال آن است. و این همان نکته‌ای است که در سخن فاطمه دختر امیرالمؤمنین علی (ع) به روایت عروة بن عبدالله آمده است. او می‌گوید: وارد بر فاطمه دختر علی بن ابی‌طالب (ع) شدم در حالی که پیرزنی سالخورده شده بود و گردنبندی در گردنش بود و دو انگو در دستش. لذا گفتم: برای زنان ناخوشایند و مکروه است که خود را شبیه مردان سازند. (۱۷).

مردان نیز زینت کنند

۱۲. حسن بن جهم: رایت ابوالحسن (ع) اختضب، فقلت: جعلت فداک! اختضبت؟! فقال: نعم، ان التهیة مما یزید فی عفة النساء، و لقد ترک النساء العفة بترک ازواجهن التهیة. ثم قال: ایسرک ان تراها علی ماتراک علیه اذا کنت علی غیر تهیة؟ قلت: لا. قال: فهو ذاک. ثم قال: من اخلاق الانبیاء، التظف و التظیب و حلق الشعر و کثره الطروقة (۱۸۶). حضرت امام رضا (ع) (۱۹) را دیدم که موهای خود را رنگ کرده است. عرض کردم: فدایت شوم! خضاب گذاشته‌ای؟! فرمود: بله، چرا که آراستن خود از جمله چیزهایی است که موجب افزایش پاکدامنی زنان می‌گردد و زنان، عفت و پاکدامنی را به این علت رها کردند که شوهرانشان آراستن خویش را ترک نم.....S. سپس فرمود: آیا تو خوش داری که همسرت را به همان شکلی ببینی که تو را در حال ژولیدگی و عدم رسیدگی به سر و وضع می‌بیند؟ عرض کردم: نه. فرمود: پس این، همان است. سپس فرمود: نظافت و استعمال بوی خوش و اصلاح سر و آمیزش زیاد از اخلاق انبیاست. »

مسئولیت مشترک

هم تو، هم او ۱۳. پیامبر اکرم (ص):... فلکم علیهن حق و لهن علیکم حق، و من حکم علیهن ان لا یوطؤوا فرشکم و لا یعصینکم فی معروف. فاذا فعلن ذلک فلهن رزقهن و کسوتهن بالمعروف و لا تضربوهن (۲۰۶). برای شما مردان، بر زنان حقی است و برای آنان نیز بر شما حقی. و از جمله حقوق شما بر آنان، این است که رابطه نامشروع با بیگانه برقرار نکنند و در موارد لزوم اطاعت، از شما سرپیچی نکنند. پس آنگاه که این حقوق را ادا کردند، حق خرجی و لباس در حد متعارف و معمول را دارا هستند و (نیز از جمله حقوق اینک) آنان را نزنید. روشن است که زن و مرد، هر یک در روابط زناشویی و زندگی مشترک دارای حقوقی هستند و در حدیث فوق به قسمتی از آن اشاره شده است و این گونه نیست که یک طرف، همیشه خود را طلبکار و دیگری را بدهکار بداند؛ بلکه روابط بر اساس حقوق متقابل است و تنها با این احساس است که جو مساعدی برای تحقق صفا و صمیمیت و همکاری به وجود خواهد آمد.

حفظ چارچوب زندگی و ارزشها

۱۴. امام صادق (ع): قال رسول الله (ص): من اطاع امراته اکبه الله علی وجهه فی النار. قيل: و ما تلک الطاعة؟ قال: تطلب الیه (منه - کافی) الذهاب الی الحمامات و العرسات و العیدات و النائحات (النیاحات - کافی) و الثیاب الرقاق فیجیها (۲۱۶). کسی که از زینش اطاعت نماید، خداوند او را به صورت، در آتش اندازد. گفته شد: آن طاعت چیست؟ فرمود: اینکه زن خواهان رفتن به حمامهای عمومی و عروسیها و مراسم عید و جشنها و سوگواریها و یا پوشیدن لباسهای نازک و بدن‌نما باشد و او نیز می‌پذیرد. «مدیریت زندگی توسط مرد و مسئولیتهای ناشی از آن، از نقطه نظر شرعی، این حق را به او می‌دهد که محدودیتهایی را در خصوص خروج همسر خویش از خانه ایجاد کند و همسرش موظف باشد بدون موافقت قبلی او اقدام به خروج از خانه نکند. البته روشن است که این حق، به گونه‌ای مطلق و خودخواهانه نیست. برخی اجتماعات، زمینه مساعدتری برای فساد و گناه فراهم می‌نمایند و این امر در گذشته نسبت به برخی مکانها همچون حمامها و مجالس ختم‌زنانه شدت بیشتری داشته است. مرد علاوه بر اینکه خود باید نسبت به آلوده شدن و گرفتار آمدن در ورطه گناه، فردی خویش‌نما باشد، در خصوص خانواده بویژه همسر خود نیز مسئولیت دارد. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة». (۲۲). مرد به عنوان کسی که بار زندگی را بر دوش می‌کشد و مسئولیت اصلی بر عهده او می‌باشد نباید به گونه‌ای رفتار کند که تدبیر و

مدیریت زندگی اساساً از دست او خارج شود و در زندگی تبدیل به فردی بی‌اختیار و بدون اراده گردد. او نمی‌تواند و نباید از مسؤولیت و وظیفه دشواری که در زندگی مشترک بر عهده دارد شانه خالی کند. لذا در سخنی از امیرالمؤمنین (ع) آن مردی که تدبیر کار خویش را به زنی واگذار کرده مورد لعن قرار گرفته است. (۲۳).

کدام بهتر است؟

۱۵. امام صادق (ع): ان رجلا من الانصار علی عهد رسول الله (ص) خرج فی بعض حوائجه و عهد الی امراته عهدا الا تخرج من بیتها حتی یقدم. قال: و ان اباهما مرض فبعثت المرأه الی رسول الله (ص) فقالت: ان زوجی خرج و عهد الی ان لا اخرج من بیتی حتی یقدم و ان ابی مریض فتامرنی ان اعوده؟ فقال: لا، اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک. قال: فماتت فبعثت الیه، فقالت: یا رسول الله! ان ابی قد مات فتامرنی ان اصلی علیه؟ فقال: لا، اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک. قال: فدفن الرجل فبعثت الیهما رسول الله (ص): ان الله عز و جل قد غفر لک ولایبیک بطاعتک لزوجک (۲۴). مردی از انصار در زمان رسول خدا (ص) به خاطر کاری، به مسافرت رفت و به همسرش سفارش کرد که از خانه خارج نشود تا او برگردد. پدر این زن مریض شد، لذا زن خدمت رسول خدا (ص) پیغام فرستاد که شوهرم به مسافرت رفته و به من سفارش کرده است تا موقع برگشتش، از خانه خارج نگردم ولی پدرم مریض است، اجازه می‌دهید که او را عیادت کنم؟ پیامبر (ص) جواب فرستاد: نه، در خانهات بنشین و مطیع همسرت باش. تا اینکه پدرش مرد دوباره پیغام فرستاد: ای رسول خدا! پدرم مرده است، آیا دستور می‌فرمایید که بر او نماز بخوانم؟ حضرت (ص) جواب فرستاد: نه، در خانهات بنشین و مطیع شوهرت باش. پس از آن، پدرش به خاک سپرده شد. (این بار) پیامبر اکرم (ص) برای زن پیغام فرستاد که خداوند عز و جل تو را و پدرت را به علت اطاعت تو از همسر، مشمول مغفرت قرار داد.

نعمت بعد از اسلام

۱۶. پیامبر اکرم (ص): ما استفاد امرء مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر الیهما و تطیعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله (۲۵). مرد مسلمان بعد از اسلام، بهره‌ای برتر از همسری مسلمان نبرده است. همسری که وقتی به او می‌نگرد مایه مسرت او است، و آنگاه که به او دستوری می‌دهد اطاعت می‌کند، و در غیاب شوهر، حافظ ناموس خود و اموال شوهر است.

مرد نیکوکار

۱۷. اسحاق بن عمار: قلت لابی عبدالله (ع): ما حق المرأه علی زوجها الذی اذا فعله کان محسنا؟ قال: یشبعها و یکسوها و ان جهلت غفرلها. و قال ابو عبدالله (ع): کانت امرأه عند ابی (ع) تؤذیه فیغفرلها (۲۶). به امام صادق (ع) عرض کردم: حق زن بر شوهرش چیست، که اگر آنرا انجام دهد انسان نیکوکاری خواهد بود؟ فرمود: خوراک و پوشاک او را تامین کند و اگر از سر جهل مرتکب خطایی شد از او در گذرد. باز فرمود: پدرم زنی داشت که او را اذیت می‌کرد، ولی پدرم او را می‌بخشید.

خیری از تو ندیدم!

۱۸. امام صادق (ع): ایما امرأه قالت لزوجها: ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها (۲۷). هر زنی که همسرش بگوید: «من از روی تو خیری ندیدم» عملش ضایع و حبط خواهد شد. در ضمن چند روایت گذشته، به برخی از حقوق متقابل زن و

شوهر اشاره شد از جمله خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر، حفظ آبرو و اموال شوهر در غیاب او، تامین خوراک و پوشاک و قهرا مسکن زن، چشم‌پوشی از اشتباهات او و بالاخره در روایت فوق به این نکته توجه داده شده است که زن نباید زحمات شوهرش را در نیکی به او و برآوردن نیازهای او نادیده بگیرد و با گفتن جملاتی دلسرد کننده که حاکی از عدم قدردانی از زحمات شوهر است، موجب سردی روابط میان خود و همسرش شود که چه بسا پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد. چند روایت بعدی، گویای برخی از صفات زنان شایسته است.

کارگزار خداوند

۱۹. امام رضا (ع) از امیرالمؤمنین (ع): خیر نسائکم، الخمس. قیل: یا امیرالمؤمنین! و ما الخمس؟ قال: الهینة، اللینة، المؤاتیة، التي اذا غضب زوجها لم تکتحل بغمض حتی یرضی، و اذا غاب عنها زوجها حفظته فی غیبتہ، فتلک عامل من عمال الله و عامل الله لا یخیب (۲۸). بهترین زنان شما دارای پنج صفت هستند. گفته شد: ای امیر مؤمنان! آن پنج صفت کدام است؟ فرمود: سبکبار و کم‌صداق، نرم‌خو و خوش‌رفتار، مطیع و موافق، آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد. و در غیاب شوهرش حافظ او باشد. چنین زنی، کارگزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خداوند نیز دچار ناکامی و خسران نخواهد شد.

او را نیازار!

۲۰. پیامبر اکرم (ص): ایما امراء آذت زوجها بلسانها لم یقبل الله منه صرفا و لا عدلا و لا حسنة من عملها حتی ترضیه و ان صامت نهارها و قامت لیلها (۲۹). هر زنی که شوهرش را با زبان بیازارد، خداوند، هیچ توبه و کفاره‌ای را از او نمی‌پذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نمی‌کند تا وقتی که شوهرش را راضی کند، گرچه زن، روز خود را روزه بدارد و شب رابه عبادت گذراند. روشن است که برای پذیرش توبه و قبولی اعمال نیک، زمینه‌هایی لازم است و موانع زیادی وجود دارد که از جمله آنها عدم رضایت شوهر است. البته اگر زن به وظیفه خویش عمل کرده است و با این حال، مرد به هر دلیلی و نوعا به خاطر منافع شخصی خویش، اظهار عدم رضایت از همسر خود بکند او مسؤولیتی ندارد، ولی اگر زن با کلمات خود، موجب آزار و ناراحتی همسرش شده است و در عین حال حاضر به کسب رضایت او نیست، طبیعی است که اعمال نیک او نیز بر جای بماند. روایت بعدی نیز ناظر به همین نکته است.

کسب خشنودی او

۲۱. پیامبر اکرم (ص): خیر نسائکم، التي ان غضبت او غضب تقول لزوجها: یدی فی یدک، لا اکتحل عینی بغمض حتی ترضی عنی (۳۰). بهترین زنان شما، زنی است که وقتی خشمگین گردد و یا همسرش بر او خشم گیرد، به شوهرش بگوید: دستم را در دست تو می‌گذارم و خواب را به چشمم راه نمی‌دهم تا وقتی که از من راضی شوی. این بسیار مهم است که اگر کدورت و عصبانیتی نیز پیش آمد، هر یک سعی نکند به دیگری نشان دهد که به او نیازی ندارد بلکه سعی در جبران کوتاهی و تقصیر خود کند و طرف مقابل نیز آن را به عنوان نقطه ضعف دیگری تلقی نکند، بلکه حمل بر روحیه گذشت و عدم لجاجت و گرمی بخشیدن دوباره به زندگی مشترک که هر دو از آن بهره‌مند می‌شوند نماید.

جهاد بانوان

۲۲. علی (ع): جهاد المرأة حسن التبعل (۳۱). جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. یک زن آگاه و وظیفه‌شناس، اگر بتواند درون خانه خود، محیط مساعدی را برای رشد و کمال خود و شوهر و بویژه فرزندان خویش فراهم کند تاثیر مثبت و بسیار مؤثر آن در اصلاح جامعه و اخلاق و تربیت آحاد آن، بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت، زن، شرکت مستقیم در فعال نمودن سایر نیروهای سازنده جامعه دارد و نقش عمده‌ای را در گرمی بخشیدن به مجاهدان در میدان نبرد ایفا می‌کند. از سوی دیگر، حدیث فوق که تفصیل آن را در روایت بعدی خواهیم خواند، گویای اهمیت وظیفه خانه‌داری است چرا که آن را به مثابه جهاد می‌داند.

جهاد واقعی

۲۳. اسماء بنت یزید که از زنان انصار بود به محضر پیامبر (ص) که مین‌اصحابش بود، رسید و عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! من فرستاده زنان به سوی شما هستم. جانم فدای شما! بدان که هیچ زنی در شرق و غرب نیست که جریان آمدن مرا به حضور شما بشنود مگر اینکه هم عقیده من است. پرسش من این است که خداوند تو را بحق، به سوی مردان و زنان فرستاد و ما به تو و به پروردگارت که تو را فرستاد ایمان آوردیم و ما گروه زنان محصور و محدود، نشسته در خانه و وسیله بر آوردن خواسته‌های شما هستیم، و بارفرزندانان را بر دوش می‌کشیم و شما جماعت مردان، با شرکت در نماز جمعه و جماعت و عیادت بیماران و حضور در تشییع جنازه‌ها و انجام دادن مداوم مراسم حج و از همه برتر، با امکان حضور در جهاد در راه خدا، بر ما برتری داده شده‌اید. از طرف دیگر، وقتی کسی از شماها به سفر حج یا عمره می‌رود و یا برای حفظ مرزها خارج می‌شود، اموالتان را برایتان نگهداری می‌کنیم و لباسهایتان را می‌بافیم و اولادتان را تربیت می‌کنیم. پس ای رسول خدا! از نظر اجر و پاداش چه مشارکتی با شما داریم؟ پیامبر اکرم (ص) چهره خویش را به طرف اصحابش نمود و فرمود: هل سمعتم مقالة قط احسن من مساللتها من امر دینها من هذه؟ فقالوا: یا رسول الله! ما ظننا ان امرأة تهتدی الی مثل هذا! فالتفت النبى (ص) الیها ثم قال لها: انصرفی ایتها المرأة و اعلمی من خلفک من النساء ان حسن تبعل احدا کن لزوجها و طلبها مرضاته و اتباعها موافقة يعدل ذلک کله. فادبرت المرأة و هی تهلل و تکبر استبشارا (۳۲). آیا تاکنون گفتاری بهتر از پرسش این بانو که در باره امر دینش پرسید، شنیده‌اید؟ عرض کردند: ای رسول خدا! ما گمان نمی‌کردیم زنی به چنین چیزی دست‌یابد! آنگاه پیامبر (ص) رو به طرف آن زن گرداند و به او فرمود: ای زن! برگرد و به سایر زنانی که از سوی آنان آمده‌ای اعلام کن که خوش رفتاری یکی از شماها با شوهر و جویای رضایت او شدن و دنبال کردن موافقت او، با همه آن فضایل و اعمال مردان برابری می‌کند. آن زن برگشت در حالی که از خوشحالی و بشارت یافتن، تهلیل و تکبیر بر زبان داشت. مرحوم علامه طباطبایی از این حدیث، نکات چندی را استفاده کرده‌است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود: ۱. از امثال این قضایا روشن می‌شود که زنان با اینکه بیشتر به امور داخلی منزل مشغولند، اما از نظر مراجعه به ولی امر و کوشش در جهت حل پاره‌ای مشکلات خویش منعی نداشته‌اند. ۲. آنچه بیشتر در زندگی زن، مورد پسند اسلام است این است که وظیفه مهم خانه‌داری را فراموش نکند، و این توصیه پیامبر (ص) گرچه واجب نبود لکن در یک محیط سالم و مذهبی، همین دستور استجابی حافظ این خواسته اسلامی بود. ۳. زنان با اینکه از فضیلت امثال جهاد، به عللی که روشن است محرومند اما اسلام این محرومیتها را با مزایا و ارزشهای دیگری که بسی افتخارآمیز است جبران کرده است. (۳۳). حدیث بعدی می‌تواند تفسیری بر این وظیفه باشد.

از بهترین بانوان

۲۴. پیامبر اکرم (ص): ان من خیر نسائکم الولود، الستیره، العقیفه، العزیزه فی اهلها، الذلیله مع بعلمها، الحصان مع غیره، التی

تسمع له و تطیع امره و اذا خلا بها بذلت ما اراد منها (۳۴). همانا از بهترین زنان شما زنی است که زیاد بچه‌دار شود، شوهر دوست و محبوب و پاکدامن باشد، در میان خویشانش عزیز باشد ولی با شوهرش رام و تسلیم باشد، خودش را از بیگانه محفوظ‌بدارد، نسبت به همسرش حرف شنوی و اطاعت داشته باشد، و در خلوت شوهر، از انجام خواسته او مضایقه نکند.

زن قیمت ندارد!

۲۶. امام صادق (ع): لیس للمراه خطر، لا لصالحتهن و لا لطالحتهن؛ اما صالحتهن فلیس خطرها الذهب و الفضة. و اما طالحتهن فلیس التراب خطرها، التراب خیر منها (۳۵). برای زن، ارزش و معادلی نیست؛ نه برای صالح آنان و نه برای ناصالح آنان. اما خوب آنان در مقابل ارزشش، طلا و نقره برابری نمی‌کند چرا که بهتر از طلا و نقره است، و اما ناصالح آنها، خاک نیز قیمت و بهای او نیست، چرا که خاک بهتر از او است. این حدیث شریف می‌تواند بعنوان جمع‌بندی احادیث این قسمت باشد و نشان‌دهنده این است که ارزش انسانی زن، امری معنوی است که باملاکهای مادی نمی‌توان ارزشیابی نمود و طبیعی است نوعاً هر عنصری که بیشتر می‌تواند در جامعه نقش مثبت و ارزشمند داشته باشد، نقش تخریبی زیادتری نیز می‌تواند دارا باشد.

در راه تفاهم

مدارا کن! ۲۷. امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص): و من صبر علی خلق امراه سیئه الخلق واحتسب فی ذلک الاجراءطه الله ثواب الشاکرین (۳۶). مردی که بر اخلاق همسری بداخلاق صبر کند و آن را تحمل نماید و آن را به حساب اجر الهی بگذارد، خداوند پاداش شکرگزاران را به او خواهد داد. پستی و بلندیهای زندگی و روابط مشترک زن و شوهر، نیاز مبرمی به اصل «مدارا و تفاهم» دارد. مرد که عهده‌دار مدیریت زندگی مشترک است شدیداً به این اصل نیازمند است، و این بستگی به سعه صدر و روح گذشت و فداکاری او دارد. البته برای ایجاد حسن تفاهم، نیاز به عناصر چندی است که در ضمن روایات این بخش، به آنها پرداخته خواهد شد؛ بعضی مربوط به مرد و قسمتی نیز مرتبط به زن و پاره‌ای نیز مشترک میان آن دو است.

مسئولیت روابط حسنه

۲۸. امام صادق (ع): رحم الله عبدا احسن فیما بینه و بین زوجته، فان الله عز و جل قد ملکه ناصيتها و جعله القیم علیها (۳۷). خدا رحمت کند مردی را که میان خود و همسرش را اصلاح نماید، زیرا خداوند اختیارش را در دست او گذاشته و او را قیم و سرپرست زن نموده است. این روایت، اشاره است به آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (۳۸) که اجمالاً نوعی قیمومت را برای مردان در فضای روابط همسری و خانوادگی قرار داده است. اینکه چارچوب و خاستگاه این سرپرستی چیست، و مشخصاً در چه مسایلی مصداق می‌یابد، موضوعی است که در تفسیر و مباحث فقهی باید پی گرفت.

تقسیم کار

۲۹. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش امام باقر (ع): تقاضی علی و فاطمه الی رسول الله (ص) فی الخدمه، فقضی علی فاطمه بخدمه ما دون الباب و قضی علی علی بما خلفه. قال: فقالت فاطمه: فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال (۳۹). علی و فاطمه در مورد کارهای خانه از رسول خدا (ص) تقاضای دستورالعمل کردند. حضرت (ص) کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه گذاشت و کار بیرون را بر عهده علی. پس از آن فاطمه فرمود: خدا می‌داند چقدر از اینکه

رسول خدا باردوش مردان را از من گرداند خوشحال شدم. حضرت فاطمه (س) این را مایه خوشحالی خود می‌داند که مسؤولیت مواجه شدن و هم صحبت شدن با مردان بیگانه در خارج از خانه را بر عهده ندارد. احتمالات دیگری نیز در این جمله داده شده است. از جمله اینکه مسرت خاطر او به این علت است که رسول خدا (ص) او را در قبول مسؤولیت همسان و همانند مردان قرار داده است و کارهای داخل را به او واگذار نموده است.

در جایگاه واقعی

۳۰. علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) : . . . و لا- تملک المرأة من امرها ما جاوز نفسها فان المرأة ريحانة وليست بقهرمانه ولا تعد بكرامتها نفسها ولا تطمعها في ان تشفع لغيرها (۴۰؛). زن را در آنچه مربوط به او نیست صاحب اختیار مگردان، زیرا زن چون گیاهی خوشبو است، و نه کارفرما و مسؤول خرج و خرید، و در گرامی داشتن او از آنچه مربوط به او است تجاوز مکن و او را به طمع نینداز که شفاعت دیگری کند. زن درخت ستبری نیست که آسیب پذیر نباشد. باید جایگاه واقعی او را در زندگی شناخت چرا که افراط و تفریط نسبت به او، آفاتی را به دنبال دارد. او بیش از هر چیز نیاز به مهربانی و عطف دارد، حتی بسیاری مواقع، رفتار عطف آمیز در او بیشتر تاثیر دارد تا استدلال، چه رسد به خشونت!

یک زن برابر هزار مرد!

۳۱. امام صادق (ع) : الامراة الصالحة خير من الف رجل غير صالح و ايما امراة خدمت زوجها سبعة ايام اغلق الله عنها سبعة ابواب النار وفتح لها ثمانية ابواب الجنة، تدخل من ايها شاءت (۴۱؛). زن شایسته از هزار مرد ناشایست بهتر است و هر زنی که هفت روز به شوهرش خدمت کند، خداوند درهای هفتگانه آتش را به روی او می‌بندد و هشت در بهشت را برای او می‌گشاید و او از هر دری که بخواهد، وارد می‌شود.

کارگزار الهی

۳۲. امام صادق (ع) : خير نسائكم ، الطيبة الريح ، الطيبة الطيبخ ، التي اذا انفقت انفقت بمعروف و ان امسكت امسكت بمعروف . فتلك عامل من عمال الله و عامل الله لا يخيب و لا يندم (۴۲؛). بهترین زنان شما، زن خوشبو و با دست پخت خوب است آن زنی که اگر انفاق (خرج) کند به نیکی انفاق (خرج) کند و اگر انفاق (خرج) نکند نیز به نیکی نکند. پس این زن عاملی از کارگزاران خداوند است و کارگزار خدا نه ناکام و نا امید می‌شود و نه پشیمان.

یک لیوان آب

۳۳. امام صادق (ع) : ما من امراة تسقى زوجها شربة من ماء الا كان خيرا لها من عبادة سنة ، صيام نهارها و قيام ليلها و بيني الله لها بكل شربة تسقى زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة (۴۳؛). هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به همسرش بدهد مگر اینکه این کار برای او از عبادت یک سال که روزهایش روزه باشد و شبهایش به عبادت بایستد بهتر است، و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش می‌دهد، برای او در بهشت شهری می‌سازد و شصت خطا از خطاهای او را می‌بخشد. اگر زن به خدمات و کارهایی که داخل منزل برای شوهر و فرزندانش می‌کند با این بینش بنگرد که به واسطه آنها می‌تواند کسب رضای خدای متعال نماید و خانه، زمینه‌ای است برای اظهار بندگی و عبودیت بیشتر، و از جانب دیگر، شوهر نیز به واقع این را بپذیرد که نوع زحماتی که همسرش در خانه متحمل می‌شود مسؤولیتی الزامی برای او نیست، قدم بسیار بزرگی در راه حسن تفاهم برداشته شده است. در

جهت تاکید بیشتر بر این عنصر اساسی ، به حدیث دیگری در همین زمینه توجه شود .

مرحمت الهی و زحمات زن

۳۴ . امام صادق (ع) : سالت ام سلمة رسول الله (ص) عن فضل النساء في خدمة أزواجهن فقال : ايما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئا من موضع الى موضع تريد به صلاحا الا- نظر الله اليها و من نظر الله اليه لم يعذبه . فقالت ام سلمة رضي الله عنها : زدني في النساء المساكين من الثواب بابي انت و امي . فقال (ص) : يا ام سلمة ! ان المرأة اذا حملت كان لها من الاجر كمن جاهد بنفسه و ماله في سبيل الله عز و جل ، فاذا وضعت قيل لها : قد غفر لك ذنبك فاستانفي العمل . فاذا ارضعت فلها بكل رضعة تحرير رقبة من ولد اسماعيل (۴۴) . ام سلمه در باره ارزش زنان در خدمتگزاری به همسرانشان از پیامبر (ص) پرسید ؛ حضرت (ص) فرمود : هر زنی که در خانه شوهرش ، چیزی را با هدف خیر و صلاح ، از جایی برداشته به جای دیگر بگذارد ، خداوند به او توجه و نظرمی کند ، و هر کس که خداوند به او توجه کند عذابش نخواهد کرد . ام سلمه گفت : پدر و مادرم فدایت ! در باره ثواب و پاداش زنان بیچاره ، بیشتر برایم بازگو کن . حضرت (ص) فرمود : ای ام سلمه ! همانا زن هنگامی که باردار می شود اجری همانند اجر کسی که با جان و مالش در راه خدای عز و جل جهاد کرده است خواهد داشت . و آنگاه که وضع حمل کرد ، به او گفته می شود : گناهت بخشیده شد ، پس عمل را از سر گیر . و آنگاه که شیر می دهد ، در مقابل هر بار شیر دادن ، پاداش آزاد نمودن یک بنده از فرزندان اسماعیل را خواهد داشت .

در تنگنا قرار نده!

۳۵ . پیامبر اکرم (ص) : الا- و ايما امرأة لم تفرق بزوجها و حملته على ما لا يقدر عليه و مالا يطيق لم تقبل منها حسنة و تلقى الله و هو عليها غضبان (۴۵) . آگاه باشید هر زنی که با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی وادارد که قدرت و توان آن را ندارد ، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است . در نظر گرفتن موقعیت شوهر و وضعیت درآمد او و نیازهای ضروری زندگی توسط زن ، نقش مفیدی در ایجاد تفاهم میان آن دو خواهد داشت . نمونه بعدی را از زندگی صمیمانه و افتخارآمیز امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه زهرا (ع) می خوانیم .

در آنجا که توحید حاکم است

۳۶ . امام باقر (ع) : ان فاطمة (ع) ضمنت لعلی (ع) عمل البيت و العجين و الخبز و قم البيت ، و ضمن لها علی (ع) ما كان خلف الباب : نقل الحطب و ان يجيء بالطعام . فقال لها يوما : يا فاطمة ! هل عندك شيء ؟ قالت : و الذی عظم حنك ، ما كان عندنا منذ ثلاثة ايام شيء نقریک به . قال : افلا اخبرتنی ؟ قالت كان رسول الله (ص) نهانی ان اسالك شيئا فقال : لا تسالين ابن عمك شيئا ؛ ان جاءك بشيء عفو و الا فلا تساليه (۴۶ . . .) . فاطمه (ع) کار منزل و خمیر کردن و نان پختن و نظافت خانه را برای علی (ع) به عهده گرفت ، و علی (ع) نیز کارهای خارج از منزل را برای او به عهده گرفت ؛ کارهایی چون آوردن هیزم و خوراکی . پس از آن روزی به او فرمود : ای فاطمه ! آیا در خانه چیزی داری ؟ فرمود : سوگند به آنکه حق تو را عظمت بخشید ، از سه روز قبل چیزی نزد ما نبوده که تو را با آن پذیرایی کنیم . فرمود : پس چرا به من خبر ندادی ؟ فرمود : رسول خدا (ص) مرا باز داشته بود که از تو چیزی درخواست کنم ، چرا که او فرمود : از پسرعمویت چیزی درخواست نمی کنی ، اگر چیزی برایت آورد که فضل و بخششی است و اگر نیاورد ، از او درخواست نکن روشن است که تامین مخارج زن و فرزند بر عهده مرد است ، ولی چه زیباست که زن نیز به شرایط همسرش ، بخوبی توجه کند ، زیرا برای مردی که همسری وظیفه شناس و دلسوز به حال خانواده اش است ، القای

این امر که اینها وظیفه تو است و چاره‌ای جز انجام دادن آنها نداری، نوعا ناگوار و مضر به صفا و دلگرمی میان آن دو است. زن می‌تواند با احساس همدردی باهمسرش، بسیاری از نگرانیها و ناراحتیهای او را کاهش دهد. به روایت بعدی در این زمینه توجه کنید.

این هم از کارگزاران خداوند است

۳۷. شیخ صدوق: جاء رجل الى رسول الله (ص) فقال: ان زوجة لي اذا دخلت تلتفتني واذا خرجت شيعتني واذا راتني مهموما قالت لي: و مايمهك؟ ان كنت تهتم لرزقك فقد تكفل لك به غيرك و ان كنت تهتم لامر آخرتك فزادك الله هما. فقال رسول الله (ص): ان لله عمالا- و هذه من عماله. لها نصف اجر شهيد (۴۷). مردی به حضور رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: من همسری دارم که وقتی داخل منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و آنگاه که خارج می‌گردم، مرا مشایعت می‌کند و هنگامی که مرا غمگین می‌بیند به من می‌گوید: چه چیز باعث ناراحتی تو است؟ اگر به علت خرجی و درآمدت نگرانی، که خداوند تاملین آن را به عهده گرفته است، و اگر اندوهت به خاطر امر آخرت هست، خداوند این اهتمام و غمت را افزون کند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: برای خداوند کارگزارانی است، و این زن جزء کارگزاران او است. برای او نصف پاداش یک شهید است. همسری که سعی در کاستن نگرانیهای شوهرش در امور مادی دارد و بالعکس، در امور معنوی و اخروی، جویای اهتمام و نگرانی بیشتر همسر خود است، بواقع عاملی از کارگزاران الهی است، ولی توقع اینکه همه زنان، از چنین روحیه‌ای در حد بالا- برخوردار باشند موجب بروز مشکلاتی در زندگی خواهد شد و به طور کلی، توجه به ظرفیت و کشش افراد در پذیرش حق و مسؤولیت‌پذیری، امری لازم است. روایت بعدی گرچه ممکن است برای برخی گران آید ولی گویای همین واقعیت است.

باید تحمل کرد

۳۸. امام صادق (ع): ان ابراهيم (ع) شكاه الى الله عز وجل ما يلقى من سوء خلق ساره، فاوحى الله تعالى اليه انما مثل المرأة مثل الضلع المعوج، ان اقمته كسرتة و ان تركته استمعت به (۴۸). حضرت ابراهيم (ع) از بد اخلاقی همسرش ساره به خداوند عز و جل شکوه برد. خداوند تعالی به او وحی کرد که مثال زن، مثال استخوان کج دنده است که اگر آن را راست کنی شکانده‌ای؛ ولی اگر آن را رها کنی از آن استفاده می‌کنی. از این رو نسبت به او صبر پیشه کن. مرحوم شیخ صدوق نزدیک به همین مضمون را آورده است با این اضافه: قلت: من قال هذا؟ فغضب. ثم قال: هذا والله قول رسول الله (ص) (۴۹). شخص راوی می‌گوید: عرض کردم: چه کسی این را گفته؟! حضرت (ع) از این گفته ناراحت شد. سپس فرمود: «به خدا سوگند این گفته رسول خدا (ص) است!». مفاد این روایت که در برخی روایات مشابه نیز آمده است نکته راهگشا و بااهمیتی را در زندگی زناشویی یادآور می‌شود و آن اینکه مرد نباید همواره تلاش کند که همسرش نیز در همه امور مانند او باشد. هر کدام شرایط و علائق و عادات خاص خود را دارند. توقع اینکه زن، عیناهمان را بخواهد که شوهر می‌خواهد و همان طور باشد که همسرش می‌پسندد، توقعی بیجا و مایه زحمت و درد سر است. نباید در همه جزئیات زندگی و رفتار و اخلاق زن دخالت کرد. در بسیاری از موارد باید او را به حال خود گذاشت و از دخالت بیجا در امور مربوط به زن پرهیز کرد. بنابراین تشبیه به «دنده کج» به معنای کاستن از کرامت انسانی زن نیست، چرا که استخوان دنده چنان که در خود روایت نیز اشاره شده باید به همین شکل باشد، بلکه به این منظور است که باید واقعیت و ظرفیت او را در نظر گرفت و بیش از کشش و توان او توقع نداشت. روایاتی که در تفسیر آیه شریفه «يا ايها الذين آمنوا قوا انفسكم و اهليكم نارا و قودها الناس و الحجاره» (۵۰) وارد شده تأکیدی است بر موضوع فوق، از جمله حدیث بعدی.

اگر گوش نکردند

۳۹. شیخ صدوق: سئل الصادق (ع) عن قول الله عز و جل: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» کیف نقیهن؟ قال: تامرونهن و تنهونهن. قيل له: انا نامرهن و نهانن فلا یقبلن. قال: اذا امرتموهن و نهیتموهن فقد قضیتم ما علیکم (۵۱؛). از امام صادق (ع) در باره این فرمایش خدای عز و جل «خودتان و بستگانان را از آتشی که آتش گیره آن، بدنهای مردم و سنگهاست نگه دارید» سؤال شد که چگونه آنها را از آتش نگه داریم؟ فرمود: آنان را امر و نهی کنید. به حضرت گفته شد: ما آنها را امر و نهی می کنیم ولی نمی پذیرند. فرمود: هنگامی که شما آنها را امر و نهی کردید وظیفه‌ای را که برعهده‌تان است انجام داده‌اید. در پایان این بخش، به حدیثی در زمینه صبر و تحمل زن و شوهر، نسبت به یکدیگر توجه می کنیم؛ بدان امید که این مجموعه بتواند گامی در جهت تحکیم پیوندهای مشترک میان آن دو باشد.

تحمل یکدیگر

۴۰. پیامبر اکرم (ص): من صبر علی سوء خلق امراته اعطاه الله من الا-جر ما اعطاه داود (ع) علی بلائه، و من صبرت علی سوء خلق زوجها اعطاه مثل ثواب آسیه بنت مزاحم (۵۲؛). مردی که بر بد اخلاقی زنش صبر و بردباری کند، خداوند پاداشی را که به داود (ع) به خاطر تحمل بلا-و سختی عطا کرد به او می دهد، وزنی که بر بد اخلاقی شوهرش شکیبایی به خرج دهد، خداوند همانند پاداش آسیه دختر مزاحم را (که یکی از چهار زن مشهور و بزرگ جهان توحید است) به او خواهد داد. قم - پاییز ۱۳۶۸.

پی نوشتها

۱) من لا-یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵. ۲) همان، ص ۳۹۲. ۳) سوره نور (۲۴)، آیه ۳۲. ۴) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳. ۵) از جمله: من لا-یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴ به بعد و نیز: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، صص ۱۵۴-۱۵۶. ۶) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳. و نیز: وافی، ج ۲۲، ص ۷۸۹. ۷) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰. ۸) همان، ۹) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶. ۱۰) نک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲ «قال رسول الله (ص): عیال الرجل اسراؤه و احب العباد الی الله عز و جل احسنهم صنعا الی اسراؤه. ۱۱) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲. ۱۲) ان الرجل لیؤجر فی رفع اللقمة الی فی امراته. المحجّة البیضاء، ج ۳، ص ۷۰. ۱۳) بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲. ۱۴) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷. ۱۵) همان، ج ۱۴، ص ۱۰. ۱۶) همان، ص ۱۱۸. ۱۷) امالی مفید، ص ۹۴، ح ۳، و نیز: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۹، «عروة بن عبدالله بن بشیر الجعفی، قال: دخلت علی فاطمة بنت علی بن ابی طالب (ع)، و هی عجوز کبیره و فی خرز، و فی یدها مسکتان، فقالت: یکره للنساء ان یتشبهن بالرجال...». ۱۸) کافی، ج ۵، ص ۵۶۷، و نیز، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۳. ۱۹) این احتمال نیز می رود که منظور، حضرت امام کاظم (ع) باشد. ۲۰) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵. ۲۱) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۰. و کافی، ج ۵، ص ۵۱۷ با حذف کلمه «فیجیها». ۲۲) سوره تحریم (۶۶)، آیه ۶. در باره این آیه رجوع کن به حدیث ۳۹، از همین بخش. ۲۳) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۱، «کل امرء تدبره امرأه فهو ملعون». ۲۴) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲. ۲۵) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳. ۲۶) همان، ص ۱۲۱. ۲۷) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰. ۲۸) کافی ج ۵، ص ۳۲۵. ۲۹) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴. ۳۰) همان، ص ۲۳۹. ۳۱) همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲. ۳۲) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۵۰، و نیز: الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۳. ۳۳) نک: المیزان، ج ۴، ص ۳۵۱، ذیل تفسیر آیه ۳۲-۳۵

سوره نساء . ۳۴) بحارالانوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۳۹ . ۳۵) همان ، ص ۲۳۶ . ۳۶) وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۴ . ۳۷) من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۳ ، و نیز : وسائل الشیعه ، ج ۴ ، ص ۱۲۲ . ۳۸) سوره نساء (۴) ، آیه ۳۴ . ۳۹) بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۸۱ . ۴۰) نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، ص ۴۰۵ . ۴۱) وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۳ . ۴۲) همان ، ص ۱۵ . ۴۳) همان ، ص ۱۲۳ . ۴۴) بحارالانوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۱ . ۴۵) همان ، ص ۲۴۴ . ۴۶) تفسیر عیاشی ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ . کلمه «لاتسألین» را می‌توان به صورت «لاتسألین» خواند که تاکید در نهی است . آنچه در متن آمد به صورت مضارع منفی می‌باشد . ۴۷) وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۷ . ۴۸) کافی ، ج ۵ ، ص ۵۱۳ . ۴۹) من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۰ . ۵۰) سوره تحریم (۶۶) ، آیه ۶ . ۵۱) من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۲ ، ضمنا مرحوم کلینی سه روایت دیگر در همین زمینه آورده است . نک : کافی ، ج ۵ ، ص ۱۲ . ۵۲) بحارالانوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۴۷ .

مروری بر تاریخ ولادت صدیقه کبرا ، فاطمه زهرا (س)

مقدمه

آنچه می‌خوانید پژوهشی است کوتاه در باره تاریخ ولادت حضرت صدیقه طاهره ، حضرت فاطمه علیهاالسلام که سالها پیش انجام شده است و اینک با اصلاحاتی اندک تقدیم می‌شود . روشن است که این موضوع ، پژوهشی بیش از این می‌طلبد ، اما همین مقدار می‌تواند تصویری کلی از این مساله به دست دهد . این مقاله تلاش می‌کند بررسی کوتاهی در باره تاریخ ولادت آن حضرت (س) و در نتیجه سن ازدواج و مدت عمر شریفش داشته باشد . گرچه شخصیت بانوی بزرگی چون فاطمه زهرا (س) و تبیین آن متکی بر صحت و سقم نتایج این گونه مباحث نیست ، ولی نشان دادن واقعیات علمی ، حتی اگر هیچ اثر مستقیم عملی نیز نداشته باشد ، امری مطلوب است . اعمال خاص و ادعیه ویژه‌ای که معمولاً در تعظیم چنین مناسبت‌هایی وارد شده است ، ولزوم وحدت رویه جامعه اسلامی در بزرگداشت و تجدید عهد با اولیای دین (ع) ، تاکید است بر مفید بودن این دست مباحث . از میان هزاران شاهد گویایی که بر مظلومیت اهل بیت (ع) گواهی می‌دهد ، همین اختلاف نظرهایی است که در باره تاریخ ولادت و رحلت و مدت امامت و عمر آن بزرگواران بر جای مانده است . این ، نه یعنی نادیده انگاشتن تلاشهای طاقت‌فرسای علمای متعهد و مورخان دلسوزی که خود از این رهگذر ، دلی پردرد دارند ، بلکه اشاره به ظلم تاریخ و تاریخ‌پردازی است که یک نگاه اجمالی به تالیفاتشان نشان می‌دهد چگونه در وصف حاکمان جور و عمال آنان و خصوصیات زندگی شخصی بسیاری کسان که حتی برخی از آنان ارزش نام بردن نیز ندارند ، به تفصیل قلم‌فرسایی کرده‌اند و در تطهیر دستگاه ستم آنان ، سخنها رانده‌اند و تاریخ را بر مذاق ستمکاران نوشته‌اند ، ولی از مظلومان تاریخ و بویژه از بزرگان شیعه یا سخنی نگفته‌اند و یا به اشارت رفته‌اند و یا خائنانه و یا جاهلانه دست به تحریف چهره آنان آلوده‌اند . اینجاست که دستهای پیدا و نهان سلطه را در محو یاد و فکر و منطق و حتی نام بزرگان شیعه بویژه امامان معصوم (ع) در گوشه گوشه تاریخ به خوبی می‌توان دید . وقتی چهره‌ای چون امیرالمؤمنین (ع) که بعد از پیامبر اکرم (ص) اولین انسان کامل و زندگی او پرجاذبه‌ترین قطعه تاریخ است ، قبر مبارکش سالهای سال از دیدگان عموم به جز خواصی چند ، مخفی باشد و آوردن نام او بر زبان جرمی نابخشودنی به شمار آید تا جایی که کسی چون ابوالحسن بصری که خود در نظر حکومت وقت ، قرب و منزلتی نیز داشت ، بگوید که ما به علی (ع) با کنیه «ابوزینب» (پدر زینب) اشاره می‌کردیم . یعنی از بردن نام حضرت باک داشتند ، و وقتی پاره تن پیامبر (ص) با آن منزلت و مقامی که نزد پدر خویش داشت و فاصله رحلت پدر بزرگوارش تا شهادت او به صد روز نیز نمی‌رسد ، حتی در مورد محل خاکسپاری اش ، نظری قاطع نمی‌توان داد ، آن وقت در مورد سایر حضرات ائمه (ع) مطلب پرواضح خواهد بود . اگر نبودند فداکاری و تلاش همه جانبه عالمان و راویان و فقیهان شیعه ،

امروز ما جزاندکی از زوایای زندگی امامان شیعه (ع) و بزرگان اهل بیت (ع) نمی‌دانستیم. تلاش حاکمان جور و واعظان دربار و تاریخ‌نویسان قلم بمزد، در از میان بردن نقش و نام و یاد اهل بیت (ع) را، از این جمله علی (ع) به خوبی می‌توان دریافت: کل حقد حقدته قریش علی رسول الله (ص) اظهارته فی وسیطهرها فی ولدی من بعدی. مالی و لقریش؟! انما وترتهم بامر الله و امر رسوله، افهدا جزاء من اطاع الله و رسوله ان كانوا مسلمین؟! (۱). همه کینه‌ای را که قریش نسبت به رسول خدا (ص) داشت در باره من آشکار ساخت و آن را بعد از من، به فرزندانم نشان خواهد داد. مبرا قریش چه کار! من فقط به دستور خدا و پیامبرش از اینان انتقام گرفته و برخورد کردم. آیا اگر اینان مسلمانند، این پاداش کسی است که اطاعت خدا و پیامبرش را نموده است؟! و یا سخن دیگر امیرالمؤمنین (ع) که پیامبر (ص) حتی اگر فرزند پسری نیز بعد از خود داشت، حکومت را به او نمی‌دادند، چون از پیامبر اکرم (ص) دل خوشی نداشتند و در صدد محو چهره او و اهل بیتش بودند. (۲). این در حالی بود که آنان برای وصول به اهداف شوم خویش حد و مرزی نمی‌شناختند و حتی از افترا بستن به رسول خدا (ص) و جعل حدیث و ساختن چهره‌ای دلخواه برای خود یا ناصالحانی که تامین کننده خواست آنان بودند دریغ نمی‌کردند.

اختلاف گفته‌ها در تاریخ ولادت

اختلاف نظری که در باره مدت عمر حضرت فاطمه (س) وجود دارد بیشتر ناشی از اختلاف در تاریخ ولادت آن حضرت (س) است زیرا هرچند در خصوص تاریخ دقیق شهادت حضرت (س) نیز نظریات چندی ابراز گردیده ولی فاصله‌ای که میان این نظریات است، چندان نیست و حداقل واکثر آن به یک سال نمی‌رسد (حداکثر ۸ ماه و حداقل ۴۵ روز)، ولی اختلاف آرا در سال تولد آن حضرت (س) زیاد است و فاصله حداقل و اکثر آن به حدود ۱۷ سال می‌رسد! یعنی حداقل سنی که برای حضرت (س) هنگام رحلت ذکر شده ۱۸ سال و حداکثر ۳۵ سال است. این گفته‌ها با محور قرار دادن تاریخ بعثت پیامبر (ص) در سن ۴۰ سالگی و ۱۳ سال قبل از هجرت، به دو بخش تقسیم می‌گردد. عده‌ای ولادت حضرت (س) را پیش از مبعث می‌دانند و دسته‌ای بعد از آن.

دسته اول: پیش از بعثت

حداکثر تاریخی که در این بخش از نظرها، یعنی ولادت فاطمه (س)، پیش از بعثت، وجود دارد، ۱۲ سال است (۳) که بدین ترتیب، عمر حضرت (س) به ۳۵ سال می‌رسد! بعضی آن را سال هفتم قبل از مبعث دانسته‌اند (۴) که بنابراین، سن حضرت (س) هنگام شهادت ۳۰ سال خواهد شد، و عده‌ای دیگر رحلت آن حضرت (س) را در ۲۹ سالگی یعنی ۶ سال پیش از بعثت شمرده‌اند. (۵) برخی نیز تصریح به ۵/۲۸ سال کرده‌اند که البته قابل جمع با ۲۹ سال و ۲۸ سال است. برخی نیز ۲۵ سال را ذکر کرده‌اند. (۶). ولی آنچه که در میان مورخان اهل سنت، بیشتر شهرت دارد سال پنجم قبل از مبعث است. چنان که عده‌ای نیز همین نظریه را با تصریح به همزمانی آن با سال تجدید بنای کعبه یعنی سال پنجم پیش از مبعث نموده‌اند. (۷). بر طبق این قول، فاطمه (س) هنگام شهادت ۲۸ سال بوده است. برخی نیز سن ۲۷ سال را ذکر کرده‌اند. (۸).

دسته دوم: بعد از بعثت

این بخش از نظرها، ولادت فاطمه (س) را مربوط به بعد مبعث دانسته‌اند، و تقریباً در این دسته، سه گفته وجود دارد:

سال نخست بعثت

این گفته عده‌ای است که سال نخست بعثت را سال تولد قرار داده‌اند (۹) و هر چند بعضی آن را در ۴۱ سالگی سن شریف رسول خدا (ص) نوشته‌اند ولی ظاهراً منظورشان همان سال اول بعثت است . چون برخی اینان تصریح کرده‌اند که در راس ۴۱ سالگی بوده است و لذا خود نتیجه گرفته‌اند که بر این اساس ، سن حضرت فاطمه (ع) هنگام رحلت ۲۳ سال بوده است . البته ما در میان صاحب نظران شیعه کسی که این قول را پذیرفته باشد نیافتیم .

سال دوم بعثت

گفته دوم که طرفداران بزرگی چون شیخ مفید دارد ، ولادت را در ۲۰ جمادی‌الآخره سال دوم بعثت می‌داند . چنان که مرحوم سید بن طاووس به نقل از کتاب حدائق الریاض شیخ مفید آورده است . (۱۰) و نیز خود شیخ مفید در رساله مسار الشیعه به این مطلب تصریح کرده است : و فی الیوم العشرین منه ، سنه اثنتین من المبعث ، کان مولد السیده (مولدتا خ . ل) الزهراء فاطمه بنت رسول الله (علیهما السلام) و هو یوم شریف یتجدد فیہ سرور المؤمنین و یتحب فیہ التطوع بالخیرات و الصدقه علی المساکین (۱۱) . ولادت حضرت فاطمه زهرا ، دختر رسول خدا که سلام بر آنها باد ، در روز بیستم از این ماه (جمادی‌الآخر) از سال دوم مبعث بوده است . و آن روز شریفی است که خوشحالی مؤمنان تجدید می‌شود و در این روز انجام دادن خیرات و پرداخت صدقه به تنگدستان مستحب است . کفعمی نیز در کتاب مصباح خود ، همین گفته را ترجیح داده است و گفته سوم را که خواهد آمد با تعبیر « گفته شده » بیان کرده است . (۱۲) . شیخ طوسی در ضمن بیان مناسبت‌های ماه جمادی‌الآخر این عبارت را آورده است : فی الیوم العشرین من جمادی‌الآخره سنه اثنتین من المبعث ، کان مولد فاطمه (ع) فی بعض الروایات ، و فی روایه اخرى سنه خمس من المبعث و العامه تروی ان مولدها قبل المبعث لخمس سنین (۱۳) . ولادت فاطمه (ع) بر اساس برخی روایات ، روز ۲۰ ماه جمادی‌الآخره از سال دوم مبعث آمده ، و در روایتی دیگر ، سال پنجم ذکر شده است و اهل سنت روایت می‌کنند که ولادت حضرت (س) ۵ سال پیش از مبعث بوده است . مرحوم شیخ عباس قمی ، این قول را ظاهراً نظر اکثر علمای شیعه می‌داند . (۱۴) . بنابراین ، تنها شیخ مفید است که با جزم ، به این قول تصریح کرده است ، که بر اساس آن ، حضرت فاطمه (س) در ۲۱ سالگی رحلت فرموده است .

سال پنجم بعثت

گفته سوم که به نظر می‌رسد مشهور میان علمای شیعه است ، (البته برخی از علمای اهل سنت نیز قایل به آن شده‌اند (۱۵)) و روایات چندی نیز بر آن دلالت دارد ، سال پنجم بعد از مبعث را هنگام ولادت می‌داند . (۱۶) . در میان معتقدان به این نظر ، از شخصیت‌هایی چون ابن ابی‌الثلج بغدادی ، متوفای ۳۲۵ هجری (۱۷) ، مرحوم کلینی ، متوفای ۳۲۸ یا ۳۲۹ ، محمد ابن جریر طبری امامی ، صاحب کتاب دلائل الامامه ، ابن شهر آشوب در کتاب المناقب ، علامه طبرسی در کتاب تاج‌الموالید (۱۸) و شیخ بهایی در کتاب توضیح المقاصد (۱۹) می‌توان نام برد . در نتیجه بیشتر مورخان اهل سنت ، تاریخ ولادت را قبل از بعثت می‌دانند ولی مصادر شیعی آن را مربوط به بعد از آن دانسته‌اند و در هر دودسته ، سال پنجم قبل از مبعث یا بعد از آن ، از شهرت بیشتری برخوردار است .

ارزیابی گفته‌ها

آنچه گذشت اشاره‌ای اجمالی به نظرهای مطرح شده در باره تاریخ ولادت فاطمه (س) بود . اما اینکه کدام یک از گفته‌های یادشده به واقع نزدیکتر است پرسشی است که در این بخش به اجمال به آن می‌پردازیم . ابتدا باید روشن شود که آیا ولادت ، قبل از مبعث بوده است چنان که مفاد نظریات دسته اول بود ، یا بعد از آن ؟ چنان که ملاحظه شد کسانی از اهل سنت که در این زمینه

سخن گفته‌اند جز معدودی از آنان، معتقدند وقوع آن قبل از بعثت بوده است. برخی نویسندگان شیعه نیز این قول را ترجیح داده و در تأیید آن به این مسأله فقهی اشاره کرده‌اند که حد اکثر سن بارداری زنان ۵۰ سالگی است و اگر تاریخ ولادت را مربوط به بعد از مبعث بدانیم، در آن برهه، سن حضرت خدیجه (س) به حدود ۶۰ سال می‌رسیده است. اینکه علت این اتفاق نظر در میان بیشتر مورخان اهل سنت چه بوده است و چرا تاریخ ولادت را قبل از بعثت می‌دانند؟ خود مسأله‌ای است قابل بحث. آیا صرفاً یک نقل تاریخی است که آنان بازگو کرده‌اند، یا استنباطی است که مثلاً با توجه به همین فرع فقهی داشته‌اند؟ به هر روی، این دسته از گفته‌ها را نمی‌توان تصدیق کرد زیرا: نخست اینکه، اختلاف و تناقضی که بین آنهاست موجب ضعف آنها می‌شود. دوم اینکه، به مصداق «اهل البیت ادری بما فی البیت»، طبیعت چنین قضایایی ایجاب می‌کند که گفته فرزندان و نزدیکان خود فاطمه (س) ملائکه قرار گیرد، و چنان که خواهد آمد مفاد روایات وارده از اهل بیت (ع) غیر از این است. سوم اینکه، در موارد متعددی از متون تاریخی و روایی گزارش شده است که حداقل، بعضی از فرزندان خدیجه (س)، بعد از مبعث متولد شده‌اند (۲۰) و می‌دانیم که حضرت زهرا (س)، آخرین فرزند خدیجه (س) بوده است. البته برخی مورخان اهل سنت، رقیه را کوچکترین آنها شمرده‌اند، ولی مؤلف تاریخ الخميس، در ضمن دلیلی که می‌آورد ولادت رقیه را قبل از ام‌کلثوم می‌داند، در نتیجه حضرت زهرا (ع) آخرین فرزند خواهد بود، چون ولادت ام‌کلثوم قبل از آن حضرت (س) بوده است. چنان که ابن‌عبدالبر نیز همین را در کتاب استیعاب در شرح حال خدیجه (س) آورده است. البته در اینکه زینب و رقیه و ام‌کلثوم، واقعا دختران پیامبر (ص) بوده‌اند یا بزرگ شده در خانه حضرت (ص)، برخی بحث و مناقشه کرده‌اند و اینک ما را با آن کاری نیست. (۲۱). چهارم اینکه، برخی از علمای اهل سنت نیز چنان که گذشت، تاریخ آن را بعد از مبعث می‌دانند. پنجم اینکه، این موضوع را بسیاری از محدثان و مورخان سنی نیز آورده‌اند که انعقاد بارداری حضرت خدیجه (س) بعد از آن بود که پیامبر اکرم (ص) در معراج از میوه بهشتی میل نمود. (۲۲) لذا نویسنده تاریخ الخميس بعد از ذکر پاره‌ای از این روایات می‌گوید: مقتضای آنها این است که ولادت فاطمه (س) بعد از بعثت بوده است، زیرا معراج بعد از بعثت واقع شده است. برخی چنان که اشاره شد، به استناد نظریه فقهی کسانی چون شهید آیت‌الله صدر که حد اکثر سن بارداری را برای عموم زنان، بدون تفاوت میان قرشی و غیر قرشی، ۵۰ سال دانسته است (۲۳) سال پنجم قبل از مبعث را ترجیح داده‌اند، ولی این نیز تنها می‌تواند یک استنباط ظنی باشد، زیرا گرچه عده‌ای از فقهای شیعه همین نظریه فقهی را در باب حد اکثر ابتدای زمان یائسگی قایلند، ولی اکثریت فقها این مبدا را برای زنان قرشی ۶۰ سالگی می‌دانند. علاوه اینکه، این اشکال در صورتی است که بپذیریم حضرت خدیجه (س) در ۴۰ یا ۴۵ سالگی با رسول خدا (ص) ازدواج کرده است؛ چنان که مشهور نیز همان ۴۰ سالگی است، و الا این استبعاد به کلی مرتفع خواهد شد، زیرا گفته‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و برخی سنین ۲۵، ۲۸، ۳۰ و ۳۵ سالگی را سن ازدواج خدیجه (س) شمرده‌اند. (۲۴). اینها همه در صورتی است که نخواهیم حضرت خدیجه (س) را به‌عنوان استثنا ذکر کنیم و الا-تنها برای رفع استبعاد امکان بارداری در چنین سنینی، یادآور می‌شویم که قرآن کریم بعد از اینکه به همسر ابراهیم (ع) بشارت ولادت اسحق (ع) و یعقوب (ع) فرزند اسحق (ع) را می‌دهد، از زبان وی که از روی تعجب سخن می‌گفت، نقل می‌کند که: قالت یا ویلتی اللد و انا عجوز و هذا بعلی شیخا (۲۵). گفت: ای وای! آیا من دارای فرزند می‌شوم در حالی که پیرم و این شوهرم نیز مسن است! البته باز تکرار می‌کنیم این را تنها برای رفع استبعاد آوریم. بنابراین، این دسته از گفته‌ها که محورشان ولادت پیش از مبعث بود، قابل پذیرش نیست و باید آن را ناشی از اشتباه در محاسبه و یا نقل و یا توهم انطباق با یک فرع فقهی و یا علل دیگری دانست، و آنچه صحیح به نظر می‌رسد و تقریباً مورد اتفاق بین مورخان و محدثان شیعه است، ولادت بعد از مبعث است که سه احتمال در مورد آن ذکر شد؛ سال اول، سال دوم و سال پنجم.

سال اول بعثت: این گفته، افزون بر اینکه برخلاف مفاد برخی روایات است که از اهل بیت (ع) وارد شده است و در ادامه خواهیم آورد، مخالف آن دسته از روایاتی است که تاکید دارد حضرت خدیجه (س) پس از اینکه پیامبر (ص) در معراج میوه بهشتی خورد، باردار شد. توضیح اینکه، هر چند در تعیین دقیق سالی که پیامبر (ص) به معراج رفت اختلاف نظر وجود دارد ولی تقریباً میان علمای اسلام اتفاق نظر وجود دارد که معراج، بعد از مبعوث بوده است و کمترین سالی که ذکر شده سال دوم بعثت (۱۵ ماه بعد از بعثت) است. (۲۶). سال دوم بعثت: وجه مشترک این نظر با گفته سوم در این است که هر دو تصریح دارند که روز ولادت ۲۰ جمادی‌الآخره بوده است، و فقط اختلاف، در سال ولادت است. از این رو با توجه به اینکه در گفته‌های گذشته تا آنجا که مجال بررسی بود نفی یا اثباتا، اشاره‌ای به روز ولادت نشده است، می‌توان با اطمینان گفت که ولادت حضرت فاطمه (س) در ۲۰ جمادی‌الآخره بوده است و اختلاف نظری که میان نظر دوم و سوم وجود دارد فقط از نظر سال تولد است. این گفته نیز هر چند شخصیت بزرگی چون شیخ مفید و برخی علمای دیگر شیعه، چنان که گفته شد، قایلند و منابعی که تاریخ معراج را سال دوم بعثت ذکر می‌کند، می‌تواند شاهی بر صدق آن باشد ولی با این حال قابل پذیرش نیست، زیرا: نخست اینکه، مدرک و مستند آن ذکر نشده است. البته شیخ طوسی در کتاب مصباح‌المتهدج، آن را برخاسته از پاره‌ای روایات می‌داند ولی آن روایات را ذکر نکرده است. دوم اینکه، بسیاری از بزرگان شیعه، حتی پیش از مرحوم مفید، همانند مرحوم کلینی و عالم معاصرویی، مرحوم ابن‌ابی‌الثلج بغدادی، آن را نپذیرفته و گفته سوم را پذیرفته‌اند. سوم اینکه، برخلاف ادعای شیخ طوسی که گفته سوم را تنها مستند به یک روایت می‌داند، چنان که خواهد آمد، حداقل در سه روایت، تصریح به گفته سوم شده است، و به نظر می‌رسد عمده دلیل در این بحث، همین روایات است که ظاهراً معارض قابل اعتمادی ندارند. البته ابی‌الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل‌الطالبین چنان که اشاره شد نظریه ۵ سال پیش از بعثت را نیز به امام صادق (ع) نسبت داده است ولی نقل وی از نظر موازین صحت سند، چندان قابل اعتماد نیست، بویژه که روایاتی حتی با سند صحیح داریم که با آن معارض است. چهارم اینکه، تاریخ معراج نیز چنان که گذشت مورد اختلاف است. علاوه اینکه، صریح پاره‌ای از روایات است که پیامبر اکرم (ص) دو بار معراج داشته‌اند و آیات نخست‌سوره «والنجم» نیز چنان که مرحوم علامه طباطبایی گفته (۲۷) مؤید آن است. بیشتر آوردیم که یکی از علمای سنی نیز همین گفته سوم را پذیرفته است. البته با این استنباط که آن را تطبیق با سال تجدید بنای کعبه نموده‌است در حالی که تجدید بنا، مربوط به پیش از مبعث است. سال پنجم بعثت: با توجه به ارزیابی گفته‌های پیشین، اینک می‌توانیم به گونه‌ای روشنتر، سال پنجم بعثت را، همان گونه که از شهرت بیشتری نیز برخوردار است، به عنوان سال ولادت حضرت فاطمه (س) ذکر کنیم. و این نظریه علاوه بر شواهدی که پیشتر آوردیم، مستند به روایات قابل اعتمادی است که از خاندان پیامبر (ص) رسیده است. این روایات تا آنجا که در حوصله این بررسی بوده از این قرار است: ۱. در بخشی از حدیث مفصلی که مرحوم کلینی با سند صحیح به نقل سعید بن مسیب از امام سجاد (ع) آورده، این چنین می‌خوانیم: فقلت لعلی بن‌الحسین (ع): فمتی زوج رسول‌الله (ص) فاطمه من علی (ع)؟ فقال: بالمدينة بعد الهجرة بسنة و كان لها يومئذ تسع سنين (۲۸). به علی بن‌الحسین (ع) عرض کردم: چه وقتی رسول خدا (ص) فاطمه را به همسری علی (ع) درآورد؟ حضرت فرمود: در مدینه، یک سال بعد از هجرت، و آن زمان، فاطمه ۹ ساله بود.

۲. مرحوم کلینی در روایت دیگری با سند معتبری از حبيب سجستانی آورده است: سمعت ابا جعفر (ع) يقول: ولدت فاطمة بنت محمد (ص) بعد مبعث رسول الله خمس سنين و توفيت و لها ثمان عشرة سنة و خمسة وسبعون يوماً (۲۹). از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرماید: فاطمه دختر محمد (ص) ۵ سال بعد از مبعث رسول خدا متولد شد و در حالی وفات کرد که ۱۸ سال و ۷۵ روز داشت. ۳. محمد بن جریر طبری امامی در کتاب دلائل‌الامامة خود با سند متصلی از امام صادق (ع) اینگونه نقل می‌کند: ... ولدت فاطمة في جمادى الآخرة، اليوم العشرين منها، سنة خمس و اربعين من مولد النبي (ص) فاقامت بمكة ثمان سنين وبالمدينة

عشر سنین و بعد وفات ابیها خمساً و سبعین یوماً قبضت فی جمادی الآخرة، يوم الثلاثاء لثلاث خلون منه، سنة احدى عشرة من الهجرة (۳۰؛). فاطمه در ۲۰ جمادی الآخرة سال ۴۵ ولادت پیامبر (ص) متولد شد و ۸ سال در مکه و ۱۰ سال در مدینه اقامت داشت و بعد از وفات پدرش ۷۵ روز زنده بود. و در سه شنبه، ۳ جمادی الآخرة سال ۱۱ هجرت رحلت کرد. چنانکه ملاحظه می‌شود، در این روایت ملاک تعیین تاریخ ولادت، سن مبارک پیامبر اکرم (ص) قرار داده شده است و لذا از این جهت احتمال تصحیف یا اسقاط در آن نمی‌رود، ولی ذیل روایت که تاریخ وفات حضرت (س) را بیان می‌کند، ظاهراً با صدر روایت در تعارض است، و این خود شاهد خوبی بر این مدعاست که تشابه خطی میان «سبعین» و «تسعین»، باعث این اختلاف شده است که آیا شهادت حضرت فاطمه (س) ۷۵ روز بعد از وفات پیامبر (ص) بوده است و یا چنان که برخی روایات صحیح داللت دارد ۹۵ روز؟ تعارض صدر و ذیل روایت از این جهت است که ذیل آن، وفات حضرت (س) را همانند روایات دیگر، در ۳ جمادی الآخر می‌داند، در حالی که فاصله ۲۸ صفر که بنا بر مشهور، روز رحلت پیامبر (ص) بوده است، تا این تاریخ به ۹۵ روز می‌رسد. و این البته خود بررسی مستقلی را می‌طلبد. در نتیجه ولادت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) روز جمعه، ۲۰ جمادی الآخرة سال پنجم بعثت بوده است، و سن آن بزرگوار، هنگام ازدواج ۹ سال، و مدت عمر شریفش بنا بر اینکه در ۳ جمادی الآخرة سال ۱۱ هجرت به شهادت رسیده باشد (چنانکه همین گفته نیز به نظر صحیح می‌رسد) طبق محاسبه تقریباً ۱۸ سال، ۱۷ روز کم بوده است، هرچند باذیل روایت دوم، انطباق ندارد.

کتابنامه

انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر «بلاذری»، قرن سوم، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ ه. ق. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله «ابن عبدالبر»، مطبعة دائرة المعارف، حیدرآباد، ۱۳۳۶ ه. ق. الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، م ۶۶۴ق، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ق، قم. الامالی، محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»، م ۴۱۳ق، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳ق، قم. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمدباقر مجلسی، م ۱۱۱۱ق، چاپ سوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق. البدء و التاریخ، ابن زید احمد بن سهل المطهر بن ظاهر المقدسی، م ۳۵۵ه دار صادر، ۱۹۸۸م، بیروت. تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، م ۵۴۸ق، ضمن مجموعه نفیسه، چاپ اول، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا. تاریخ الائمة (ع)، ابن ابی الثلج بغدادی، م ۳۲۵ق، ضمن مجموعه نفیسه، چاپ اول، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا. تاریخ بغداد، احمد بن علی «خطیب بغدادی»، م ۴۶۳ه. دارالکتب العربی، بیروت، بی تا. تاریخ الخمیس، حسین بن محمد بن حسن «الذیاری بکری»، م ۹۸۲ه، مصر، ۱۳۸۲ه، مصر، ۱۳۸۲ه. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش «عیاشی»، قرن سوم، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، بی تا. تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، ابولحسن ورام بن ابی فراس المالکی الاشری، م ۶۰۵ه، دارالصعب و دارالتعارف، بیروت. توضیح المقاصد، محمد بن الحسین عاملی «شیخ بهایی»، م ۱۰۳۰ق، ضمن مجموعه نفیسه، چاپ اول، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا. حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، حافظ ابی نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، م ۴۳۰ه. ق، چاپ پنجم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ه. ق. الخصال، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «صدوق»، م ۳۸۱ق، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۹ق، تهران. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر «سیوطی»، افسس در چاپخانه اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ه. ق. دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، قاضی ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، م ۳۶۳ق، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق، قاهره. ذخائر العقبی، حافظ احمد بن عبدالله «المحب الطبری»، مکتبه حسام الدین قدسی، مصر،

۱۳۵۶ ه. ق. شرح غررالحکم و دررالکلم، جمال‌الدین محمد خوانساری، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی‌الحدید، م ۶۵۵/۶۵۶ ق، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق، مصر. صحیح ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، مطبعة بولاق، مصر، ۱۲۹۲ ه. الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)، جعفر مرتضی‌العالمی، چاپ اول، نشر مؤلف، ۱۴۰۳ ه. ق، قم. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی، م ۹۷۴ ه، مکتبه القاهرة، چاپ دوم قاهره، ۱۳۸۵ ه. علل الشرایع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «صدوق»، م ۳۸۱ ق، المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۵ ق، نجف. الفتاوی الواضحة، سیدمحمدباقر صدر، م ۱۳۵۸ ش، چاپ سوم، دارالکتب اللبنانی، ودارالکتب المصری، ۱۹۷۷ م، بیروت. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، م ۳۲۸/۳۲۹ ه. ق، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۸ ه. ق. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علاء‌الدین حسام‌الدین «متقی هندی»، مؤسسه‌الرساله، بیروت ۱۴۰۹ ق. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، م ۸۵۷ ه، منشورات اعلمی، بیروت، بی تا. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، م ۵۴۸ ه. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ه. ق، ۱۳۳۹ ش. مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة، محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید» م ۴۱۳ ه. ق، چاپ اول، کنگره جهانی بزرگداشت هزارمین سال وفات شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق. مستدرک الصحیحین، محمد بن عبدالله بن محمد «حاکم نیشابوری»، م ۴۰۵ ه، دارالمعرفه، بیروت، بی تا. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، م ۱۳۲۰ ه. ق، چاپ اول، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ه. ق، قم. مسند، احمد بن محمد بن حنبل، م ۲۱۴ ه، دارالفکر، بی جا، بی تا. مشکل الآثار، احمد بن محمد مصری «طحاوی»، مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامیه، حیدرآباد، ۱۳۳۳ ه. معانی الاخبار، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «صدوق»، م ۳۸۱ ه. ق، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج علی بن الحسین بن محمد اصفهانی، م ۳۵۶ ه. ق، تحقیق سیداحمدصقر، دارالمعرفه، بیروت، بی تا. مقتل الحسین (ع)، موفق بن احمد «خوارزمی» م ۵۶۸ ه. ق، تحقیق محمد سماوی، مکتبه المفید، قم، بی تا. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «صدوق» م ۳۸۱ ه. ق، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، قم، بی تا. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، م ۱۳۵۹ ه، کانون انتشار، تهران بی تا. میزان الاعتدال، محمد بن احمد «ذهبی»، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۵ ه. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش، قم. میزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمدحسین طباطبایی، م ۱۳۶۰ ش، چاپ سوم، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق، بیروت. نهج البلاغه، محمد بن حسین موسوی، م ۴۰۴ ه، تحقیق صبحی صالح، مرکز بررسیهای اسلامی، ۱۳۹۵ ق، قم. الوافی، محمد محسن فیض کاشانی، م ۱۰۹۱ ه، چاپ اول، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام‌امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان، ۱۳۷۳ ش. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن «حر عاملی» م ۱۱۰۴ ق، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

پی‌نوشتها

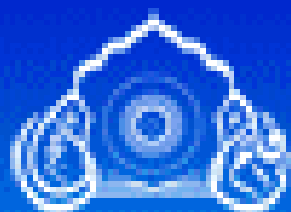
(۱) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۸. (۲) همان، ص ۲۹۸. (۳) تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۸، و ذخائرالعقبی، ص ۵۲. (۴) همان (۵). از جمله: مقتل الحسین، ج ۱، ص ۸۳، و تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۸، و ذخائرالعقبی، ص ۵۲. (۶) مشکل الآثار، ج ۱، ص ۴۷. (۷) تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۷، و ذخائرالعقبی، ص ۵۲، و مقاتل الطالبیین، ص ۴۸. (۸) مقتل الحسین، ج ۱، ص ۸۳. (۹) از جمله نک: تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۷، و ذخائرالعقبی، ص ۵۲، بحار‌الانوار، ج ۴۳، ص ۸. (۱۰) اقبال‌الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۲. (۱۱) مسار الشیعه، ص ۵۴. (۱۲) بحار‌الانوار، ج ۴۳، ص ۹. (۱۳) همان (۱۴) منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۶۸، باب دوم. (۱۵) نک: تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۸، و ذخائرالعقبی، ص ۵۲. (۱۶) نک: بحار‌الانوار، ج ۴۳، صص ۶-۱۰. (۱۷) تاریخ‌الائمة،

ضمن مجموعه نفیسه، ص ۶. ۱۸) تاج‌الموالید، ضمن مجموعه نفیسه، ص ۹۷. ۱۹) توضیح المقاصد، ضمن مجموعه نفیسه، ص ۵۲۶. ۲۰) نک: البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۶، و تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۲. ۲۱) نک: الصحیح من سیره‌النبی، ج ۴، ص ۲۸. ۲۲) نک: بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۳-۶، و نیز: تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۷، و ذخائرالعقبی، ص ۳۶، و لسان‌المیزان، ج ۱، ص ۱۳۴. ۲۳) الفتاوی‌الواضحہ، ج ۱، ص ۱۳۸. ۲۴) نک: الصحیح من سیره‌النبی، ج ۱، ص ۱۲۶، و بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۱۲ و ۱۹، و تاریخ‌الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۴. ۲۵) سوره هود، آیه ۷۲. ۲۶) نک: الصحیح من سیره‌النبی، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۷۰، و نیز بحارالانوار، ج ۱۸، صص ۳۰۲، ۳۱۹، ۳۸۰ و ۳۸۱. ۲۷) نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۱. ۲۸) کافی، ج ۸، ص ۳۴۰. ۲۹) همان، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۸. ۳۰) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزارای دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

